انترناسیونال

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۶۹
جمعه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ . ۲۲ آوریل ۲۰۲۲

درماندگی دولت رئیسی و کشاکش جناحها

حمید تقوایی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

خلیل کیوان: چرا جمهوری اسلامی با روی کار آوردن رئیسی و یکدست تر کردن حکومت، منسجم تر نشده است؟ کارنامه رئیس جمهور نزدیک به یکسال پس از تشکیل دولتش چه هست؟ اختلافات آنها و جناحبندی های فعلی بر سر چه مسائلی است؟ آیا حکومت راه حلی برای برون رفت از وضعیت بحرانی خودش دارد؟ چه چشم انداز و راه حلی برای اوضاع سیاسی کشور متصور است؟ جنبش های اجتماعی نظیر جنبش های معلمان، بازنشستگان و جنبش کارگری از چه ظرفیت و توانی برای برون رفت از وضعیت فعلی برخوردار هستند؟ پرسشهایمان را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، رئیسی با چه هدفی روی کار آمد؟ کارنامه دولت ایشان بعد از یکسال که در مسند قدرت نشسته است را چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: در مقطعی که رئیسی را رئیس جمهور کردند ارزیابی ما این بود که این یک دولت در شرایط جنگی است؛ جنگی که بین حکومت و مردم خیلی صریح رو در رو و آشکار در جریان است. امروز بر همه آشکار شده است که کابینه رئیسی کابینه تلاش برای بقا است؛ سیاستهایش، عملکردش، مواضعش در این جهت است که با چنگ و دندان و به هر نحوی شده نظام به لرزه افتاده جمهوری اسلامی را سرپا نگه دارد. از آنطرف هم مردم به این دولت حتی در کمترین سطحی بعنوان مرجعی که قرار است جامعه را اداره کند یا خواسته ای از مردم را جواب بدهد نگاه نمیکنند، بلکه به چشم دشمن نگاه میکنند.

آخرین نقطه اوج جنگ مردم با حکومت ۹۸ بود و بعد از ۹۸ دیدیم که جامعه همچنان آرام نگرفت و به اعتراضات خود ادامه داد. علیرغم پاندمی کرونا و وقفه موقتی که از این نظر بوجود آمد، مبارزات ادامه یافت و گسترده تر و رادیکالتر شد. در همان دوره انتخابات، که سوت و کورترین و رسوا ترین انتخابات حکومت بود، جامعه اعتراض وسیعی کرد. بعنوان نمونه مادران دادخواه علنا اعلام کردند که رای ما سرنگونی است. در فضای جامعه و در مدیای اجتماعی این افشاگری از جنایات رئیسی گسترده شد و "سرنگونی بجای انتخابات" به گفتمان عمومی بدل شد. بعد از آن هم اعتراض علیه اعدام ها،

ادامه در صفحه ۲

در آستانه روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

چند روزی بیشتر به اول مه روز جهانی کارگر باقی نمانده است. امسال یعنی سال ۱۴۰۱ از همان آغاز سال شاهد به جلو گام برداشتن قدرتمند جنبشاعتراضی کارگری هستیم. معلمان

صفحه ٤

1 May

زنده باد اول ماه مه

زنده باد اتحاد کارگر، معلم، بازنشسته!

در این شماره نشریه: **شماره صفحه:**

یه سیسمونی کم بشه مشکل ما حل میشه ٤
اصغر کریمی

خشونت جریانات اسلامی در سوئد به بهانه قرآن سوزی راسیستها ٥
گفتگو با حسن صالحی

جنگ اوکراین و اصحاب کهف ٧
کاظم نیکخواه

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر! ٧
کمپین برای آزادی کارگران زندانی ((FREE THEM NOW!

شرکتهای "دانش بنیان" ممر چپاولهای نجومی حکومتیان ٨
محمد شکوهی

بیانیه سه زندانی سیاسی ٩
سهیلا دالوند

در مورد نیروهای مسلح حرفه ای مافوق مردم ١٠
اصغر کریمی

زخمی شدن ۱۰ کولبر توسط نیروهای هنگ مرزی جمهوری اسلامی ١٢
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

اول اردیبهشت: معلمان در سراسر کشور تجمع و اعتراض کردند ١٣
حزب کمونیست کارگری ایران

احکام صادره برای رسول بداقی را محکوم میکنیم ١٤
کمپین برای آزادی کارگران زندانی،

تجمع سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی
کارگران پیمانی نفت در تدارک اعتصابی سراسری
فراخوان به اعتصاب در پنجم اردیبهشت ١٥

آگهی ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران
به مناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر ١٦

اتکاء ما به حمایت شماست!

لیست شماره یک کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب

صفحه ۱۷

ادامه از صفحه ۱

اعتراض به فقر، در دفاع از حقوق زنان، جنبش دادخواهی که دادگاههایی را در دنیا سازمان داد و حکومت را محکوم کرد، جنبش معلمان، یک شنبه های اعتراضی بازنشستگان، و اعتراضات کارگران هفت تپه و کارگران نفت و بخشهای دیگر جنبش کارگری را شاهد بودیم. همه اینها بنوعی ادامه ۹۸ بود در یک سطح اجتماعی و توده ای.

در واقع دولت رئیسی را آورده بودند که همین اعتراضات را به عقب برانند، که در مقابل مردم بپاخاسته بایستند، بروی جامعه شمشیر بکشند و برای بقای خودشان بجنگند. اما کارگران نفت با اعتصابات سراسریشان از رئیس جمهوری جلاد "استقبال" کردند و به همه نشان دادند که این نوع تمهیدات حکومت بجائی نمیرسد.

در ۹۸ دانشجویان به نمایندگی مردم اعلام کردند "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". تا امروز همان پرچم را جامعه در دست دارد منتها در شکل اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، بازنشستگان زنان و غیره. این وضعیت بنظر من نشانه کلا درماندگی حکومت است، حکومتی که سیاستهایش، و همه فعالیتهایش در جهت فقط حفظ خودش در قدرت در برابر موج نفرت مردم و دریای خشم مردم است. دولت رئیسی مظهر درماندگی کل حکومت در مواجهه با جامعه ای است که برای زیر و رو کردن این وضعیت بپا خاسته است.

خلیل کیوان: طیف متنوعی از مسائل خرد یا کلان الان موضوع جدل و موضوع اختلاف بین جناحها و کارشناسان جمهوری اسلامی است. صفحات روزنامه ها را اگر ورق بزنید و به نظرات کارشناسان و مقامات سابق و اسبق حکومتی نظری بیاندازید متوجه میشوید که علیرغم این فضای تنگ سیاسی جدالهایشان در مورد اقتصاد، در مورد سیاست خارجی، مدیریت و مسائل اجتماعی و غیره بالا گرفته است. منتقدین حکومتی رئیسی میگویند که برخورد دولت ایشان به مسائل اقتصادی، سیاسی است و کارشناسی نیست. میگویند به جای نخبگان یک عده از واماندگان ذهنی را اینها جذب کرده اند. میگویند که تدبیر ندارند، میگویند که آدم های پاچه خور و کوتوله را در کشور در مسند نشاندند و آنها را رشد دادند. سوال من از شما این است که آیا مشکل جمهوری اسلامی سیاسی است؟ مسائل اقتصادی اش چطور حل میشود؟ آیا مشکل مدیریت غلط و برخورد غیرکارشناسانه است؟ اساسا مشکل حکومت چیست؟

حمید تقوایی: اگر خیلی خلاصه بخواهم بگویم مشکل حکومت این هست که با یک جامعه معترض و بپاخاسته طرف است. خودشان مدام از اینکه طوفانی برپا خواهد شد، سیلی خواهد آمد و همه را خواهد برد و غیره صحبت میکنند. اگر دقت کنید این دعواها و جدالها اساسا بر سر استراتژی های مختلف برای بقا و حفظ خود در قدرت است. دعواهای جناحهای حکومتی همیشه محورش این بوده منتهی در این دوره فرقش این است که رئیسی را روی کار آوردند با این امید و این چشم انداز که حکومتشان یکپارچه خواهد شد. مجلس را از دست دوخردادی ها و یا هر کسی که با خامنه ای زاویه ای داشت گرفتند و بخیال خود صفوفشان را یکپارچه کردند. اما در عمل صفوفشان بیشتر درهم ریخت. الان بخشی از خود باصطلاح اصولگرایان علیه رئیسی فعال شده اند. میگویند بی سواد است، کارشناس نیست، تصمیمات مهم را نمیتواند بگیرد، همانطور که شما گفتید نخبگان در این دولت راهی ندارند و غیره.

اینها را نه تنها دوخردادی های سابق و اسبق بلکه بخشی از خود اصولگرایان میگویند. رئیسی را با این اهداف روی کار آوردند که اولا زیر خط خامنه ای تمام دولت و ارگانهای قدرت را منسجم کنند و ثانیا یک حزب

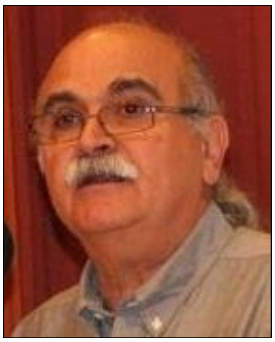

سیاست خارجی هم مخالفین دولت رئیسی میگویند ممانعت از امضا کردن برجام به فقر بیشتر منجر میشود. معتقدند اگر برجام به فرجامی برسد مشکل فقر حل میشود و واقعیت است اما مشکل حکومت این نیست. در دوره هایی که باصطلاح متخصصین سر کار بودند مثل دوره روحانی هم وضعیت همین بود. آن دوره ای هم که باصطلاح کارشناسان در دولت بودند و برجام هم براه بود و اقتصاد هم ظاهرا بر طبق نظرات همین کارشناسان داشت پیش میرفت دیدیم که فقر و بیکاری و گرانی بیداد میکرد. شرایطی که ریشه اعتراضات گسترده از جمله شورش ۹۶ بود. بنابراین مساله بر سر کارشناسی نیست، خانه از

اوجگیری عمودی شورشهای شهری و ابراز خشم و شادی جامعه در قبال تحولات و یا مناسبتهای معین میتواند به شکل یک حرکت گسترده افقی در سطح جامعه ادامه پیدا کند. خیزشهای شهری و جنب و جوش جامعه در قبال تحولات و یا مناسبتهای مختلف میتواند به شکل هماهنگ و هم زمان ادامه بیابد؛ یعنی بجای فورانی که اوج میگیرد و فروخوابانده میشود، جرقه و چاشنی یک حرکت ادامه دار توده ای و عمومی باشد.

اللهی را به راس جامعه برانند که کارنامه سیاه و جنایتکارانه ای علیه مردم دارد و به مردم این پیام را بدهند که آمدیم که بزنیم و بمانیم. و تا حدی هم بگیرو ببند ها زیاد شد و فشار به اقشار مختلف مردم بخصوص به زنان بیشتر شد. این اتفاقات هم افتاد ولی اینها هیچکدام نه تنها به نتیجه ای نرسید بلکه تا آنجا که به اعتراضات مردم مربوط میشود اعتراضات گسترده تر و صریح تر و تعرضی تر شد. به همین دلیل است که در صفوف حکومت هم کشاکش و به هم ریختگی بیشتر شده است.

بعنوان نکته آخر در مورد مساله بیسوادی و کارشناس نبودن و سوء مدیریت رئیسی و دولتش باید بگویم گرچه این یک پای بست ویران است. سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی با بن بست مواجه میشود بخاطر اینکه این حکومت نمیتواند حداقلی از ثبات، حداقلی از برنامه ریزی، و جائی در بازار جهانی و کلا خصوصیات یک حکومت متعارف را داشته باشد. ما همیشه گفته ایم اساس بحران اقتصادی رژیم هویت سیاسی-ایدئولوژیک او بعنوان یک حکومت پرچمدار جنبش اسلام سیاسی است. تا وقتی چنین است حتی اگر فرض کنیم که همه کارشناسان و نخبگان را به کار بگیرند فوقش شرایطی خواهیم داشت مثل دوره رفسنجانی، مثل دوره خاتمی، مثل دوره روحانی، که یکی از یکی بدتر بود.

خلیل کیوان: در مورد دیگر پا صحنه هایی نظیر زباله گردی و فقری که بقول خودشان بخش اعظمی از جامعه را گرفته و غیره مواجه نخواهیم بود. میگویند طبقات اجتماعی پلاریزه شده اند و طبقه متوسط نداریم و بخش بزرگی از جامعه به زیر خط فقر رانده شده اند و ادعا میکنند با امضای برجام این مشکلات حل میشود. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: روشن است که تحریمهای اقتصادی و قطع رابطه اقتصادی با غرب که از قبل از برجام هم وجود داشت، وضع را بدتر کرده است ولی بهیچوجه این مسائلی که برشمردید ناشی از توقف برجام نیست. پدیده کارتن خوابی و زباله گردی و کودکان کار و

ادامه در صفحه ۳

ادامه از صفحه ۲

خیابان و تورم و بیکاری و فقر به قدمت عمر خود جمهوری اسلامی است. در تمام دولتها و کابینه ها این مسائل بوده و امروز هم همینطور است. بدتر شدن وضع هم بخاطر اینست که بحران سیاسی- اقتصادی و ساختاری کل حکومت تشدید شده است. نفس اینکه کسی مثل رئیسی را سر کار گذاشته اند، کسی که سابقه طولانی در کشتار مردم دارد، به قصاب تهران معروف است، در تمام دنیا رسوا است و هیچ نوع تخصصی ندارد، نفس اینکه چنین حزب الهی دست به سینه ای را روی کار می آورند نشان دهنده درماندگی و بحران نهادینه شده حکومت است و نه برعکس. اینطور نیست که رئیسی موجد این بحران بوده. در تمام کابینه ها این وضع بوده و امروز اگر وضع بدتر شده بخاطر اینست که بحران جمهوری اسلامی هر روز بیشتر تشدید و تعمیق شده است. هر کسی را رئیس جمهور میکردند وضعیت همینطور بود.

همانطور که گفتم جمهوری اسلامی وارد یک دوره جنگ آشکار و رودررو با مردم شده است. فرض کنید در این دوره برجام را امضا کنند و این گره هم از کار حکومت باز شود فکر میکنید آن سرمایه گذاری ها، و آن پولهایی که به جیب حکومت سرازیر خواهد شد صرف چه خواهد شد؟ صرف مردم؟ هزینه کردن برای رفاه؟ روشن است و تجربه هم نشان داده که برجام به چنین نتایجی منجر نمی شود. عواید ناشی از گشایش اقتصادی بخش عمده اش میرود به جیب آیت الله ها و سران سپاه و دارو دسته های مافیائی حاکم و بخش دیگرش هم صرف سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی و موشک پرانی هایش و دخالتگری هایش در عراق و یمن و در لبنان و سوریه و غیره خواهد شد. دوره برجام اول هم همینطور بود. این دوره هم همینطور خواهد شد.

ما بارها گفته ایم گرچه تحریم ها بحران اقتصادی رژیم را تشدید میکند اما نفس این بحران ناشی از موجودیت جمهوری اسلامی است. با برجام و یا بدون برجام بی حقوقی، بی تامینی، فقر و فلاکت، بیکاری و تورم در جامعه بیداد خواهد کرد و برای این مسائل جمهوری اسلامی نه تنها راه حلی ندارد بلکه خودش موجد این شرایط است. راه حل مردم این است که جامعه از شر حکومت خلاص بشود. راه دیگری نیست.

خلیل کیوان: در مورد مسائل اجتماعی هم اختلافات و مباحث تندی دارند مثلا در مورد قانون جوانی جمعیت و تعالی خانواده، طرح صیانت و حجاب اجباری و یک رشته موضوعات مرتبط به زنان از جمله ورود آنها به ورزشگاهها و یا دیوارکشی پارکها و دهها نمونه دیگر تقابل تند و آشکاری در میان جناحهای مختلف حکومتی در گرفته. در این موارد چه میشود؟ گفت آیا یک جناحی از حکومت واقعا طرفدار حقوق اجتماعی و مردم شده است؟

حمید تقوایی: واضح است که هیچ جناحی در این حکومت طرفدار آزادی و حقوق مردم و نظایر آن نیست. اگر اینها دعواهایشان تند شده است بخاطر این است که نگرانند. مخالفین رئیسی و دولتش نگرانند که این نوع سیاستها مثل سختگیری بر زنان، مثل بگیر و ببند ها، مثل طرح های جداسازی زنان در پارک ها و غیره، به جرقه هایی بدل شود که جامعه را منفجر کند و بساط کل حکومتشان را در هم بپیچد. دعوا همانطور که گفتم بر سر استراتژی بقا است. جناح مخالف رئیسی معتقد است سیاستهای دولت در واقع نفت بر روی آتش مردم میریزد و اعتراضات را گسترده تر میکند. تمثیلهائی که بکار میبرند مثل سیلی که خواهد آمد، طوفانی که در راه است و غیره همه نشاندهنده اینست که کشمکش و اختلافاتشان برسر نحوه مقابله با مردم است. ما همیشه گفته ایم حکومت اصلاح طلب ندارد. اصلاح طلبانش در واقع سیاستهایی را پیشنهاد میکنند که نظام شان تثبیت شود و بر سر جای خودش بماند. بر سر مسائل اساسی مردم، بر سر سرکوبها و اعدامها، برخوردی که مثلا به جنبش کارگری میشود، برخوردی که به زنان میشود، برخوردی که به شورش های شهری میشود اینها همیشه متحد و منسجم و در کنار هم بوده اند.

ریشه مساله اینست که جمهوری اسلامی از همان آغاز وصله ناجوری به تن جامعه بوده و با یک بحران مزمن اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است. امروز این بحران حکومتی شدید تر از هر دوره دیگری است و به همین دلیل است که هنوز یکسال از روی کار آمدن دولت و مجلس تماما اصولگرا و مورد تائید همه جانبه خامنه ای نگذشته، تند تر و صریح تر از همیشه بجان همدیگر افتاده اند.

خلیل کیوان: درباره اوضاع صحبت کردید. ببینیم راه خروج چیست. میدانید که علیرغم فشارهای امنیتی و بگیر و ببندها و سرکوب فعالین جنبشهای اجتماعی، این جنبشها در مقابل حکومت پیشرویهای قابل توجهی داشته اند. برای مثال جنبش معلمان خیلی سازمانیافته، روشن و با برنامه پرچم مطالبات بخش اعظمی از مردم و میتوان گفت کل جامعه را در دست گرفته است. سئوالم اینست که جنبشهائی نظیر جنبش معلمان و بازنشستگان و جنبش کارگری و جنبش زنان و غیره چه ظرفیت و توانی دارند و چه نقشی برای پایان دادن به این وضعیت میتوانند داشته باشند؟

حمید تقوائی: به نظر من نقش خیلی تعیین کننده و برجسته ای میتوانند داشته باشند. در یک سطح عمومی در شرایط سیاسی ایران و تا آنجا که به فضای اعتراضی و جنبشهای خیابانی مربوط میشود ما دو پدیده را مشاهده میکنیم: یکی خیزشها و شورشهای توده ای شهری است که تعرضی ترین و رادیکال ترین نمونه اش خیزش ۹۸ بود. بعد از ۹۸ هم در خوزستان و شهرکرد و اصفهان خیزشهای شهری کوبنده ای را علیه بی آبی و خشک شدن رودخانه ها شاهد بودیم. بویژه در اصفهان خیزشی شکل گرفت که ویژگی اش تحصن شبانه روزی توده مردم بر بستر زاینده رود بود و بهمین دلیل به التحریر اصفهان معروف شد. این حرکت از خیزشهای فورانی و انفجاری متفاوت بود، سازمانیافته بود، یک ماه بطول انجامید و بخش گسترده ای از کشاورزان و مردم اصفهان در آن فعالانه شرکت داشتند. این نوع خیزشهای توده ای چه از نوع ۹۸ و چه تحصن اصفهان، یک مشخصه مهم فضای اعتراضی ایران است.

پدیده دیگر تجمعات و تظاهرات و اعتصابات کارگران و بخشهای دیگر جامعه است که بطور پیگیری ادامه دارد و بخصوص بعد از ۹۸ اوج گرفته است. در شرایط حاضر اعتصابات و اعتراضات بخشهای مختلف طبقه کارگر، مبارزه سراسری و مداوم معلمان و بازنشستگان و اعتراضات زنان علیه نمودهای مختلف آپارتاید جنسی بروزات مختلف اعتراضات خیابانی هستند. این پدیده نیز جایگاه و تاثیر تعیین کننده ای در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی دارد.

می پرسید راه برون رفت چیست؟ برای رسیدن به پاسخ درست باید دو پدیده فوق را در مرکز توجه قرار داد. به نظر من راه برون رفت برقراری رابطه و پیوند مبارزاتی نقشه مند و آگاهانه بین خیزشهای توده ای با اعتراضات ادامه دار و سراسری بخشهای مخالف جامعه است. نه تنها خیزشهای توده ای گسترده مثل ۹۸ و اتفاقاتی مثل خیزشهای اصفهان و خوزستان، بلکه حتی جرقه هائی مثل اعدام نوید

ادامه در صفحه ۶

کابینه رئیسی کابینه تلاش برای بقا است؛ سیاستهایش، عملکردش، مواضعش در این جهت است که با چنگ و دندان و به هر نحوی شده نظام به لرزه افتاده جمهوری اسلامی را سرپا نگه دارد. از آنطرف هم مردم به این دولت حتی در کمترین سطحی بعنوان مرجعی که قرار است جامعه را اداره کند یا خواسته ای از مردم را جواب بدهد نگاه نمیکنند، بلکه به چشم دشمن نگاه میکنند.

در آستانه روز جهانی کارگر

ادامه ازصفحه ۱

در همین هفته اولین تجمع سراسری قدرتمند خود را برای پیگیری خواستهایشان برداشتند و با فریاد خواستهایشان و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت دادند. هزاران کارگر پیمانی نفت دوباره وارد اعتصاب شده اند. بازنشستگان تامین اجتماعی یکشنبه های اعتراض خود را از سر گرفته اند. بعلاوه بخش های دیگر بازنشستگان از جمله بازنشستگان مخابرات و نفت نیز در اعتراضند. در کنار همه این اتفاقات کشاورزان اصفهان که در سال گذشته در آبانماه با تحصن قدرتمند خود همراه با شرکت وسیع مردم علیه مافیای آب و وضع بد معیشتی شان به پا خاستند دوباره اعتراضات خود را از سرگرفته و دوشنبه های آبی را اعلام کرده اند. این در حالیست که جنبش های اعتراضی دیگری در سطح جامعه سازمانیافته تر و قدرتمند از هر وقت به جلو گام برمیدارد. یک نمونه آن جنبش رهایی بخش زن است که با کارزار حق ورود زنان به استادیوم ها خیابانی به میدان آمده و جنبش "me too"علیه تعرضات به زنان در ایران نیز پا گرفته است.

این اتفاقات بر متن فضای عمومی پر تلاظم جامعه، دارد گفتمان های روز جهانی کارگر را رقم میزند. فراخوانها برای برگزاری این روز اعتراض سراسری آغاز شده است. از جمله "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" طی بیانیه ای با اشاره به اینکه دولت و حکومت با همه جناح ها و دسته جات غارتگرش بیش از پیش به طبقه کارگر و مزد بگیران هجوم آورده و کمر به نابودی آنها بسته است، دفاع از زندگی و معیشت و داشتن کرامت انسانی را حلقه پیوند همه کارگران و همه مردم به یکدیگر دانسته و بر اتحاد مبارزاتی همه بخش های جامعه برای رهایی از شرایط اسفناک حاکم تاکید میکند. این شورا با تاکید بر اینکه خواستهای کارگران نفت پاسخ نگرفته است و روز جهانی کارگر میتواند مناسبتی برای به پیش کشیدن خواستها و مطالباتشان باشد، از به میدان آمدن به زودی کارگران نفت برای پیگیری مطالباتشان خبر میدهد. در آخر نیز همه کارگران و مزدبگیران جامعه رابه به سردادن فریاد متحدانه دردهای مشترک خود در روز جهانی کارگر و تبدیل این روز به روز اعتراض سراسری علیه وضعیت نابسامان معیشتی و زیستی موجود فر میخواند.

از سوی دیگر چهار گروه و تشکل از بازنشستگان از جمله اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، گروه بازنشستگان مستقل تهران و شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه ای مشترک به گرامیداشت روز جهانی کارگر و نیز روز معلم که دوازدهم اردیبهشت است فراخوان داده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:"در شرایطی که دولت و قدرت سیاسی حاکم، راه بیان آزادانه و پیگیری خواست های مسلم اقشار زحمتکش را مسدود نموده و مطالبه گری را »جرم«تلقی می کند، مسلم است که فریادها خاموش نخواهد ماند. همچنانکه سالهاست بستر خیابان به عرصه اعتراضات، اعتصابات، تحصن و تجمعات کارگران، معلمان، بازنشستگان و توده های زحمتکش تبدیل شده است. امسال تلاقی یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان (کارگران دیروز) با روز جهانی کارگر و روز معلم در یازدهم و دوازدهم اردیبهشت بستری برای همبستگی و سر دادن فریادهای متحدانه و رسا برای برخورداری از زیست و معیشتی شایسته می باشد: ما کارگریم برده نیستیم! روز جهانی کارگر و معلم را گرامی می داریم".

این خبرها و این اتفاقات فضای اول مه امسال را به روشنی ترسیم میکند. این اتفاقات بیش از بیش بر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف طبقه کارگر و کل جامعه برای رهایی از شر جهنم جمهوری اسلامی تاکید میگذارد. باشد که اول مه امسال یک روز

شهلا دانشفر

تاریخی مهم و فراموش نشدنی و سرآغازی برای همبستگی گسترده بخشهای مختلف جامعه و یک اتحاد مبارزاتی محکم برای رهایی و ساختن جامعه ای شاد و انسانی باشد.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

یه سیسمونی کم بشه مشکل ما حل میشه

اصغر کریمی

معلمان امروز اولین تجمع سراسری خود در سال ۱۴۰۱ را شروع کردند. یه سیسمونی کم بشه یک شعار با مسمای آنها در اصفهان بود که معنای نهفته در آن بسیار بود.

پیام شعار این بود: پشت آن ریش‌ها و زیر آن عمامه‌ها چه لجنزاری از ریاکاری و فساد خوابیده است. پشت اسلام و چمکران و امامزاده‌ها و مساجدتان چه درجه از جنایت تلنبار شده است. هیچ کارگر هفت‌تپه و هیچ معلم و پرستاری برای خرید سیسمونی نوزادش حتی به شهر بغل دستی نمیرود. نوزادان زیادی اصلا سیسمونی ندارند. در نوزادی از شیر خشک محرومند و در کودکی از اسباب‌بازی و میوه و شیرینی و گوشت و تحصیل.

در یک سیستم قضایی عادلانه گناه فرزند را به پای والدین نمی نویسند. اما در یک سیستم فاسد، و در بُعد اجتماعی موضوع فرق میکند. چندده‌هزار آقازاده داریم که بدون استثنا از صدقه سر والدین حکومتی، پورشه پارتی ترتیب میدهند و در ویلاهای آنچنانی زندگی لاکچری میکنند. چرا که آنها فرزندان مقامات و آیت‌الله‌هایی هستند که به کمک قرآن و مسجد و مجلس و دادگاههای اسلامی و فشنگ و اوین و کهریزک، حاصل کار مردم را به جیب میزنند.

مقامات حکومت همه فاسدند و منفور و بی‌آبرو. نه در داخل جایی دارند نه خارج. بدنه اصلی نیروی سرکوب را هم با خود ندارند. آمران به معروفشان هم خجالت میکشند در چشم مردم نگاه کنند. تکلیف چنین حکومتی را با اتحاد حول پرچم رفاه، آزادی، برابری و نه به حکومت مذهبی و با اعتصابات سراسری و قیام و انقلاب بزودی روشن میکنیم.

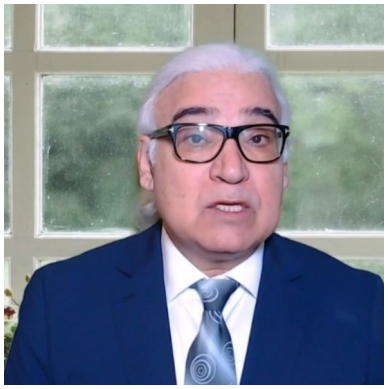

خشونت جریانات اسلامی در سوئد به بهانه قرآن سوزی راسیستها

گفتگو با حسن صالحی
دبیر کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال: در هفته های اخیر درگیریها و کشاکشهای حادی میان اسلامی ها و پلیس در سوئد به بهانه قرآن سوزی یک جریان راسیست به جریان افتاد که در خلال آن شماری از مردم نیز زخمی شدند. جریان از این قرار است که "راسموس پالودان" رهبر حزب راسیستی و دست راستی "استرام کورس " از پلیس سوئد مجوز انجام تظاهرات ضد اسلامی و سوزاندن قرآن را گرفته بود. سوزاندن قرآن بهانه ای شد که برخی گروههای اسلامی بنحو بسیار خشونت آمیزی در چندین شهر سوئد دست به اعتراض بزنند.

حسن صالحی ابتدا گر ممکن است کمی در مورد چگونگی این رویداد به خوانندگان توضیح دهید

حسن صالحی: اتفاق که در سوئد در روزهای اخیر رخ داد در نوع خود بی نظیر بود. سوزاندن قرآن در چندین شهر واکنش خشونت آمیز و وحشیانه اسلامی ها را برانگیخت. در خیابانهای چندین شهر اتفاقاتی افتاد که کمتر در سوئد دیده بودیم. ماشین های مردم به آتش کشیده شد. پلیس به قصد کشتن با پرتاب سنگ مورد حمله قرار گرفت و شمار قابل توجهی پلیس و تعدادی هم از شهروندان عادی زخمی شدند. در بعضی نقاط اتوبوسها هم به آتش کشیده شدند. ترس و نگرانی در میان ساکنین برخی مناطق بالا گرفت. اسلامی ها آتش زدن قرآن را بهانه کردند تا ضدیت تمام عیار خود با آزادی بیان و مظاهر تمدن و سکولاریسم را به نمایش بگذارند. از آن طرف هم پلیس عده ای را دستگیر کرده است. گفته می شود پلیس برای اولین بار از گاز اشک آور برای مقابله با آشوبگران استفاده کرده است. در اثر تیراندازی هشدار آمیز سه نفر از اسلامی ها زخمی شدند. و این ماجراها هنوز ادامه دارد چرا که "راسموس پالودان" تقاضای مجوز برای آتش زدن قرآن در روزهای آتی کرده است. اینکه پلیس این اجازه را خواهد داد یا نه موضوعی است که در حال بررسی است.

انترناسیونال: آیا کلا از نظر شما در یک جامعه آزاد سوزاندن کتابی مثل قرآن باید ممنوع باشد؟

حسن صالحی: طبق قوانین سوئد آتش زدن قرآن و یا هر کتاب مذهبی و غیر مذهبی دیگری جرم نیست. بخشی از آزادی بیان است. و از نظر من هم باید اینطور باشد. اینکه "راسموس پالودان" با انگیزه های راسیستی اقدام به اینکار می کند بهیچوجه نباید باعث شود که حق او در ابراز مخالفت با اسلام به آن شکلی که خود وی می خواهد نادیده گرفته شود.اگر قرار باشد که به بهانه "اهانت به مقدسات" آزادی بیان شهروندان محدود شود از آزادی بیان چیزی باقی نخواهد ماند. چون از این به اصطلاح "مقدسات" در جامعه زیاد است. این حق شهروندان است که در اشکال مختلفی نظیر هنری، گفتاری، نوشتاری، تصویری و غیره ابراز وجود کنند. سابقه مخالفت اسلامی ها با آزادی بیان با ریختن خون نویسندگان و قتل آزادیخواهان روشن است. این سابقه خونین در کشوری مثل ایران با کشتار دهها هزار نفره از آزادیخواهان، منتقدین دین، و کمونیستها توسط جمهوری اسلامی همراه بوده است. در خود سوئد ما نمونه لارش ویلکس را داریم که به دلیل کشیدن چند کاریکاتور از محمد "پیامبر اسلام" توسط اسلامی ها تهدید به قتل شد و برای سرش جایزه تعیین کردند و تا زنده بود مجبور بود تحت محافظت مداوم پلیس باشد. اما حتی بحث فقط بر سر آزادی بیان نیست. موازین انسانی سوئد در ماههای آخر با نفرت پراکنی از سوی اسلامی ها روبرو بوده است. اسلامی ها از چندی پیش تبلیغات زهر آگینی را علیه اداره خدمات اجتماعی براه انداخته بودند که برای محافظت از کودکانی که در شرایط نامساعد فکری و یا بدنی قرار دارند آنها را از خانواده هایشان جدا کرده و نزد خانواده دیگری می گذارد. اسلامی ها که خود به کودک آزاری و زیرپا گذاشتن حقوق کودک معروف هستند مدعی شده بودند که اداره خدمات اجتماعی این کودکان را می فروشد!! این را گفتم تا روشن کرده باشم که اسلامی ها فقط به دنبال بهانه هستند تا مبانی انسانی و یا آزادی موجود در سوئد را مورد تعرض قرار دهند.

> راسیسم و اسلامیسم دو روی یک سکه هستند و از همدیگر ارتزاق می کنند. این دو نیروی ضد انسانی در واقع توجیه کننده و تقویت کننده همدیگر هستند. باید بگویم که اسلام پناهی دولتهای غربی و نبود یک آلترناتیو انسانی باعث شده است که نیروهای راسیستی میدان بیشتری پیدا کنند. پاشنه آشیل مذهب و ناسیونالیسم و راسیسم نفی هویت انسانی و ارزش ها و آمال و آرزوهای مشترک و جهانشمول انسان است. ما طبعا با محور قرار دادن هویت جهانشمول انسان باید به جنگ عقایدی و جنبش هایی برویم که میان انسانها تفرقه می اندازند و جداسازی را بجای همبستگی میان انسانها موعظه می کنند.

انترناسیونال: کشاکش میان راسیستها و اسلامیستها را بارها در کشورهای دیگر شاهد بوده ایم. بنظر شما چه رابطه ای بین این دو وجود دارد؟

حسن صالحی: قبل از پاسخ دادن به این سئوال باید بگویم که من آتش زدن قرآن و به دور ریختن قرآن از سوی مردم ایران که تحت قوانین مستبدانه اسلامی زندگی و هستی آنها نابود و تباه شده است را کاملا می فهم و نسبت به آن احساس سمپاتی دارم.

این بخشی از رویگردانی ضد مذهبی در ایران است و نشان می دهد که مردم با این کارها تابوها را می شکنند و "مقدسات" را زیر پا می گذارند. اما تا آنجا که به انگیزه و هدف نیروهای راسیستی ونژاد پرست در آتش زدن قرآن بر می گردد قطعا این امر در راستای دامن زدن به نفرت قومی و نژادی و مذهبی و خارجی ستیزی و خشونت علیه مردم منتسب به اسلام و دیگر مهاجرین غیر اروپایی است. رشد راسیسم در اروپا به

ادامه در صفحه ۶

ادامه از صفحه ۵

دلایل متعددی به میزانی رسیده است که بسیار نگران کننده است.یک دلیل آن مقابله با موج مهاجرت و پناهندگی از کشورهای آسیایی و آفریقایی به اروپاست. بی دلیل نیست که احزاب راسیستی متاسفانه توانسته اند که با تبلیغات خارجی ستیزانه به پارلمانها در اروپا راه پیدا کنند و این عملا سیاستهای آنهاست که در زمینه پناهندگی حرف اول را می زند. طبعا در مقابل رشد راسیسم و اسلامیسم باید با هر دو مقابله کرد.

راسیسم و اسلامیسم دو روی یک سکه هستند و از همدیگر ارتزاق می کنند. این دو نیروی ضد انسانی در واقع توجیه کننده و تقویت کننده همدیگر هستند. باید بگویم که اسلام پناهی دولتهای غربی و نبود یک آلترناتیو انسانی باعث شده است که نیروهای راسیستی میدان بیشتری پیدا کنند. پاشنه آشیل مذهب و ناسیونالیسم و راسیسم نفی هویت انسانی و ارزش ها و آمال و آرزوهای مشترک و جهانشمول انسان است. ما طبعا با محور قرار دادن هویت جهانشمول انسان باید به جنگ عقایدی و جنبش هایی برویم که میان انسانها تفرقه می اندازند و جداسازی را بجای همبستگی میان انسانها موعظه می کنند.

سنت مبارزه با راسیسم در اروپا همواره وجود داشته است ولی در مقابله با رشد اسلامیسم نیروهای مترقی و آزادیخواه متاسفانه به دلایل متفاوت به اندازه کافی فعال نبوده اند و در مواردی آنها را نیز همراهی کرده اند. اتفاقات اخیر سوئد یکبار دیگر نشان داد که در مقابل این نیروی ارتجاعی و ضد تمدن باید صف محکمی ایجاد کرد. ما سالهاست در سوئد پرچم خواستهایی را بلند کرده ایم که اگر این خواستها متحقق شده بود ما امروز در مقابله با جریانات اسلامی وضعیت بسیار بهتری می داشتیم. من اینجا به برخی از این خواستها اشاره می کنم: تعطیلی مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت پخش اذان از مساجد، پایان دادن به سیاست سازش و مماشات با دولتهای اسلامی نظیر جمهوری اسلامی، نظارت کامل و مداوم بر نهادی مذهبی و اسلامی چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ مضمون فعالیتهای آنها، مصونیت کودکان از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی. ممنوعیت جلب افراد زیر سن به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی، ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی. برای تحقق این خواستهای مهم در حال حاضر زمینه مساعدی وجود دارد و ما امیدوارم بتوانیم با بسیج همه نیروهای آزادیخواه و مترقی از موازین سکولار جامعه دفاع کنیم و نیروهای مرتجع اسلامی را در جوامع غربی نیز به عقب برانیم.

ادامه از صفحه ۳

درماندگی دولت رئیسی و کشاکش جناحها

افکاری، قتل بکتاش آبتین و قتل مونا حیدری و ده ها رخداد دیگری از این قبیل که توجه همه مردم و توجه همه فعالین در جامعه و در مدیای اجتماعی و توجه رسانه ها و حتی حکومتی ها و مقامات را به خود جلب میکند و بعضا به موضوعی جهانی بدل میشود، این قابلیت را دارند که به یک حرکت اعتراضی عمیقتر، اجتماعی تر، متشکل تر و سراسری تر تبدیل بشوند. بویژه در یکساله اخیر ما در مبارزات کارگران و بازنشستگان و معلمان این خصیصه سراسری بودن را دیده ایم. دیده ایم که چطور کارگران پیمانی نفت در یک شکل سراسری و سازمانیافته به اعتراض دست زدند. و این اعتراضات ادامه دارد.

یک نظریه اینست که گویا این جنبشها صنفی هستند. به هیچوجه اینطور نیست. نه جنبش کارگری به خواستهای صنفی محدود شده است و نه جنبش معلمان و بازنشستگان و نه جنبش دادخواهی و جنبش رهائی زن. خواست اداره شورائی و تقابل و بچالش کشیدن سیاستهای ماکرو و کلان اقتصادی حکومت مثل خصوصی سازیها، مثل مناطق ویژه اقتصادی، مثل کار پیمانی و قراردادهای موقت و سفید امضا و غیره اینها همه از جانب جنبش کارگری بزیر سئوال رفته است. جنبش معلمان موضوع تحصیل رایگان، و موضوع غیر ایدئولوژیک شدن مدارس یعنی جارو کردن اسلام از کتب درسی و سیستم آموزشی را روی میز گذاشته است. خواست بهداشت و درمان رایگان نیز هم از جانب جنبش بازنشستگان و هم معلمان مطرح میشود. جنبش زنان وقتی علیه حجاب اجباری و یا ممانعت از ورود زنان به ورزشگاهها و یا آزادی و اذیت جنسی بمیدان می آید یک خواست صنفی را مطرح نمیکند بلکه سیاست آپارتاید جنسی را که یک رکن مهم موجودیت جمهوری اسلامی است را مورد حمله قرار میدهد. جنبش دادخواهی نیز با خواست محاکمه سران حکومت کیفرخواست کل جامعه علیه جنایت سیستماتیک رژیم را اعلام میکند. به این اعتبار این اعتراضات در مضمون و محتوای خود بخشی از جنبش سرنگونی و در واقع ادامه فریاد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" در دیماه ۹۸ هستند.

این جنبشهای اعتراضی مداوم را که شکل سازمانیافته و سراسری هم به خود گرفته اند میتوان و باید به اعتراضات باصطلاح فورانی جامعه، به خیزشهای توده ای در جامعه، که هر آن انتظارش میرود، و به جرقه هائی نظیر اعدام نوید افکاری و غیره که بالاتر توضیح دادم، و مناسبتهائی مثل اول مه و هشت مارس و حتی چهارشنبه سوری و سیزده بدر مرتبط و متصل کرد. اوجگیری عمودی شورشهای شهری و ابراز خشم و شادی جامعه در قبال تحولات و یا مناسبتهای معین میتواند به شکل یک حرکت گسترده افقی در سطح جامعه ادامه پیدا کند.

در ۹۸ دانشجویان به نمایندگی مردم اعلام کردند "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". تا امروز همان پرچم را جامعه در دست دارد منتها در شکل اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، بازنشستگان، زنان و غیره.

خیزشهای شهری و جنب جوش جامعه در قبال تحولات و یا مناسبتهای مختلف میتواند به شکل هماهنگ و هم زمان ادامه بیابد؛ یعنی بجای فورانی که اوج میگیرد و فروخوابانده میشود، جرقه و چاشنی یک حرکت ادامه دار توده ای و عمومی باشد.

این دو نوع اعتراض میتواند بستر و زمینه یک حرکت اعتراضی سراسری و عمومی را مهیا کند به نحوی که همه بخشهای جامعه همزمان در یک حرکت خیابانی بمیدان بیایند و جمهوری اسلامی را از هر نظر محاصره و فلج کنند.

این کاملا ممکن است منتهی طبعا خودبخود اتفاق نمی افتد. باید احزابی مثل حزب کمونیست کارگری آستین بالا بزنند، برنامه عمل و راهکارهای روشنی داشته باشند تا بتوانیم جنبشها و اعتراضات خیابانی و سراسری امروز را به یک حرکت اعتراضی عمومی و همزمان همه بخشهای جامعه تبدیل کنیم. حزب ما تمام توانش را بکار میگیرد که چنین شود و امیدوارم تمام فعالین جنبشهای اعتراضی که این سخنان را میشنوند با من موافق باشند که میشود و باید در کنار هم قرار گرفت و یک تعرض عمومی و سراسری را در همه بخشهای جامعه سازمان داد و به این ترتیب ضربه نهائی را به جمهوری اسلامی وارد آورد.

۲۱ آوریل ۲۲

(با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه).

جنگ اوکراین و اصحاب کهف

کاظم نیکخواه

این روزها در اوج جنایات ارتش روسیه در اوکراین، بعضی ها مقالات بلند بالایی در مورد جنایات آمریکا و غرب در جنگ جهانی دوم و در یوگسلاوی و شیلی و جاهای دیگر مینویسند تا ما را قانع کنند که باید آمریکا را محکوم کرد و نه روسیه و پوتین را. واقعا داستان جالب و تاسف انگیزی است. گویا الان در اوج جنگ اوکراین مردم باید بروند جنایات آمریکا در ناکازاکی و شیلی و جاهای دیگر را محکوم کنند و به پوتین و جنایاتش کاری نداشته باشند. ساعت زندگی بعضی ها انگار قاطی کرده است. زمان را از دست داده است. به آنها مدام یادآور میشود که جنایات هیروشیما و ناکازاکی و جاهای دیگر توسط آمریکا و غرب بدتر از جنایات اوکراین است حواست باشد!! انسان معقول سرش را میخاراند و میگوید شما از کدام غار بیرون آمده ای؟ چشمانت را باز کن دوروبرت را نگاه کن. الان جنگ جهانی اول و دوم نیست. جنگ سوم است. تازه در جنگ دوم همه شواهد میگوید زمینه های جنگ را زیاده روی غرب علیه آلمان بعد از جنگ جهانی اول ایجاد کرد و هیتلر بر نارضایتی وسیع مردم از سیاستهای دولتهای غربی سوار شد و جنگ را آغاز کرد. آیا مردم در آن زمان باید نازیسم و هیتلر و کوره های آدم سوزی و آن جنایات باور نکردنی علیه بشریت را محکوم میکردند یا آنهایی را که به هر دلیل با هیتلر میجنگیدند؟ شما اگر در جنگ دوم بودید با این منطق که زمینه جنگ را چه کسی ایجاد کرده باید کنار هیتلر می ایستادید.

روشن است که دولتهای آمریکا و ناتو در دوره های مختلف جنایات زیادی علیه بشریت انجام داده اند. اما کسی که وسط یک جنگ میخواهد به عقب برگردد و کارنامه دولتهای دیگری را بیرون بکشد، بروشنی هدفش از زیر ضرب بدر بردن جنایتکار کنونی است. برخی از این افراد و جریانات همزمان یک دعای "پوتین را هم باید محکوم کرد" میخوانند تا بقول خودشان آب بندی کرده باشند و متهم به طرفداری از پوتین نشوند. اما اینهم کمکی به کسی نمیکند. محکوم کردن جنایتکار باید بدون اما و اگر و شرط و شروط باشد، نه زیر لوای محکوم کردن همه نیروهای درگیر در جنگ. ارتجاع کثیف روسی را که دارد در روز روشن چنایتهای زیادی انجام میدهد و تهاجم و تعرض گسترده و خطرناکی را آغاز کرده است که معلوم نیست ادامه آن به کجا ختم خواهد شد، باید بدون لکنت و با صدای رسا محکوم کرد.

بهرحال دوستان عزیز! دما سنج ما باید با مردم و زندگی مردم بالا و پایین

برود. زلنسکی و ناتو هر گناهی کرده باشند مردم اوکراین مقصر نیستند و باید محکم از آنها در برابر جنایات دولت مافیائی روسیه دفاع کرد. بگذار بعضی ها در همان غار خود بمانند و کتابهای تاریخ را که تازه خوانده اند کج و معوج تحویل دهند. به امید روزی که هیچ جنایتکاری در هیچ گوشه ای از دنیا در قدرت نباشد.

زنده باد جامعه انسانی!

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر!

اول مه روز طبقه ای است که کار میکند، همه چیز را تولید میکند اما محرومترین بخش جامعه است. این روز را ما کارگران با تاکید بر رهایی از استثمار و ستم سرمایه داری گرامی میداریم.

اول ماه مه امسال در ایران در شرایطی آغاز میشود که نبردی سخت بر سر زندگی و معاش در ایران در جریان است. حکومت تلاش دارد بار بحران و بن بست اقتصاد ورشکسته خود را بر سر مردم خراب کند. این وضعیت مردم بی تامین جامعه را با یک شوک تورمی بیسابقه روبرو کرده است. اما کارگران قربانیان ساکت و مستاصل این نظام و حاکمین مفتخور نیستند.

بخش های مختلف کارگری و جنبش های اجتماعی متشکل تر، سازمانیافته تر و با خواستهای سراسری دارند هر روز گسترده تر وارد عرصه نبرد با سیستم جهنمی حاکم میشوند. از جمله از همین آغاز سال در ایران معلمان، کارگران نفت، بازنشستگان، کشاورزان، رانندگان کامیون استارت اعتراضات سراسری خود را زده اند و اعتراضات علیه افزایش سرسام آور قیمت ها و فقر و بی تامینی و گرسنگی و علیه سرکوبگری های حکومت و زیر پا گذاشته شدن پایه ای ترین حقوق انسانی مردم، هر روزه گسترده تر میشود. درکنار همه این تحرکات اجتماعی جنبش رهایی بخش زن در اعتراض به آپارتاید جنسی حاکم فعالانه به میدان آمده است.

حکومت که خود را در محاصره اعتراضات کارگری و اعتراضات کل مردم می بیند، با سرکوب و دستگیری و احکام زندان میکوشد مقابله کند. از جمله فشار امنیتی بر روی معلمان که گستردگی مبارزاتشان تحرک گسترده ای در شهرهای مختلف ایران ایجاد کرده ، شدت یافته است. از همین رو دفاع از معلمان و مبارزاتشان و اعتراض به سرکوبگری های حکومت هم اکنون به یک کارزار مهم مبارزاتی در آستانه روز جهانی کارگر تبدیل شده است.

این چنین است که روز جهانی کارگر بیش از بیش به روز اعتراض همه کارگران و همه بخش های مردمی در ایران علیه بساط سرمایه داری وحشی حاکم تبدیل شده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند صدای رسای این اعتراضات در سطح جهان باشد.

هم اکنون بسیاری از فعالان کارگری، معلمان ، مدافعین حقوق کودکان و فعالان حقوق کارگری در ایران در زندان ها هستند. ما، همراه با همه کارگران و مردم در ایران، به شدت به تعرضات رژیم اسلامی و سرکوبگری های آن اعتراض داریم.

هیچ کس نباید بخاطر عقیده، تشکل و مبارزه برای دستیابی به حقوق خود دستگیر یا زندانی شود. به ویژه هیچ کارگری نباید به دلیل دفاع از زندگی و حقوق خود در به زندان انداخته نشود. اسماعیل عبدی معلم شناخته شده، شاپور احسانی راد فعال شناخته شده کارگری، سپیده قلیان و تک تک زندانیان سیاسی به خاطر دفاع از حقوق انسانی به سالها زندان محکوم شده اند. ما لحظه ای از مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی با این رژیم وحشی سرمایه داری دست بر نخواهیم داشت.

در همین راستا یک تاکید فری دم ناو بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و جنایت و ضد بشری در سطح جهان است. جمهوری اسلامی اسلامی با کارنامه ۴۴ سال پایمال کردن حقوق انسانی، حقوق کارگران و نقض حقوق زنان نباید جایی در (آی ال او) داشته باشد و بهیچ وجه نماینده مردم ایران نیست بلکه قاتل آنها است.

فری دم ناو، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، یک بار دیگر روز جهانی کارگر را به همه شما کارگران و مردم شادباش می گوید و برای همه کارگران و تمام سازمان های مدافع حقوق انسانی سالی سرشار از موفقیت آرزو میکند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ((FREE THEM NOW!

۳۱ فروردین ۱۴۰۱، ۲۰ آوریل ۲۰۲۲

https://free-them-now.com/

FREE THEM NOW

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

شرکتهای "دانش بنیان" ممر چپاولهای نجومی حکومتیان

محمد شکوهی

در هفته های اخیر خامنه ای در مورد ضرورت توجه بیشتر و رفع موانع " شرکت های دانش بنیان" بارها به دولت و مقامات حکومتش تذکر داده و از آنها خواسته است با اختصاص دادن ردیفی در بودجه های سالانه رژیم، برنامه ریزی دقیق در هماهنگی با همه سران سه قوه، این شرکتها را تقویت کرده و به عنوان اساس "اقتصاد مقاومتی" و "الگوی خودکفایی و رشد و توسعه" در دستور دولت و مجلس قرار بدهند.

اما ماجرای " شرکت های دانش بنیان" چیست؟ چرا خامنه ای بر آن تاکید دارند؟

سابقه تشکیل شرکتهایی که در حکومت اسلامی " شرکت های دانش بنیان" نامیده میشوند، به اواخر سال ۱۳۷۹ بر می گردد. با گذشت دو دهه از قدرت گیری جمهوری اسلامی و ادعاهای "استقلال و خودکفایی در تولید ملی" و اساسا بدنبال شکست الگوهای توسعه رشد و توسعه اقتصادی رژیم، جمهوری اسلامی دست به یک چرخش اساسی در اقتصاد و سیاستهای اقتصادی اش زد. اساس این چرخش سهیم کردن و دخالت دادن نهادهای نظامی، سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات در امور اقتصادی و در دست گرفتن قدرت اقتصادی توسط این نهاد های سرکوبگر بود. طراحی و راه اندازی پروژه "شرکت های دانش بنیان" مبنایی برای باز گذاشتن دست این نهادها در دخالت و جهت دهی به اقتصاد مورد نظر حکومت و اولویت های اصلی اش، نظیر خودکفایی نظامی، ساخت و توسعه سلاح های هسته ای و میکروبی، تقویت بنیه نظامی و تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه به بهانه "دفاع از نظام و انقلاب" شد. در دهه ۸۰ شمسی گذشته، به مرور موضوع دخالت و سهیم کردن این نهادها در اقتصاد مورد نظر حکومت و خامنه ای در راس سیاستهای اقتصادی حکومت قرار گرفت.از اوایل سال ۱۳۸۱ موضوع بودجه بندی برای این شرکتها، رسما جزوی از بندهای لوایح بودجه های سالیانه شد.

در اقدامی دیگر مجلس قانون تاسیس " شرکت های دانش بنیان" را به عنوان فاکتور بسیار مهم در رسیدن به خودکفایی، رشد و توسعه اقتصاد و تقویت "اقتصاد مقاومتی" تائید کرد و دولتها را موظف کرده ردیف هایی در بودجه های سالانه با میانگین رشد سرمایه ای بین ۲۰ تا ۳۰ درصدی هر ساله سهم این شرکتها، اختصاص بدهد.

بدنبال این تصمیمات موضوع تاسیس " شرکت های دانش بنیان" و سپردن بخش عظیمی از اقتصاد کشور بدست اینها، رسمیت یافت و به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۳۹۵ آمار ثبت این شرکتها ۲ هزار و ۲۱۹ مورد بود. دو دهه بعد طبق اعلام دولت، آمار شرکت های ثبت شده به بالای ۶۶۳۳ مورد رسیده است. تنها دردوره شیوع کرونا در دوسال گذشته چندین شرکت سپاه و بنیاد برکت خامنه ای وارد عرصه تولید واکسن داخلی شده و به گفته خودشان صدها میلیون دلار بودجه دریافت کردند. حکومت به بهانه تولید واکسن داخلی، واردات واکسن خارجی را ممنوع کرد و بدین ترتیب هزاران نفر را به کشتن داد. مجوز ثبت و مالکیت این شرکتها اساسا به نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و دوایر نزدیک به این نهادها و بیت رهبری داده میشود. بدین ترتیب سالانه دهها هزاران میلیاردتومان پول و اعتبار در اختیار اینها قرار داده شده و درهمه بخش های اقتصاد شروع به کار و فعالیت کردند.

شرکتهای "دانش بنیان" و سیاست هسته ای حکومت

با علنی شدن پروژه های هسته ای حکومت، بویژه دسترسی رژیم به تکنولوژی غنی سازی اورانیوم و تلاش حکومت برای دستیابی به سلاح هسته ای از اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، محورهای فعالیت و ابعاد و میزان فعالیت های این شرکت ها که اساسا با اهداف نظامی بودند، برملاتر شد. تکنولوژی و همکاری های اطلاعاتی و صنعتی اولیه این شرکتها در این بخش، با همکاری کره شمالی، چین و روسیه به راه افتاد. حکومت تا آن موقع همه این تلاش ها را مخفی کرده بود. با اعلام دستیابی رژیم به به صنعت فناوری هسته ای و بویژه غنی سازی اورانیوم، این موضوع نگرانی هایی را در غرب، مبنی بر تلاش رژیم برای دستیابی به سلاح هسته ای بوجود آورد. این تلاش های حکومت ادامه داشت تا زیر فشار غرب، و طرح تحریمها و بخشا تهدیدات، جمهوری اسلامی را مجبور کرد در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ برابر ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، توافق وین بین رژیم و کشورهای ۵+ ۱ را امضا کرده و در چارت سازمان انرژی اتمی فعالیتهای هسته ای را پیش ببرد.

یک بخش آنچه که از آن به عنوان "دستاوردهای هسته ای حکومت" اسم برده میشود، در نتیجه فعالیتهای گسترده با صرف هزینه های دهها میلیارد دلاری برای " شرکت های دانش بنیان" و بخش اصلی هدف این شرکتها و تاکید نظام در فعالیت دراین عرصه بوده است. دهها شرکت در پروژه های تسلیحاتی، موشکی، سیستم دفاع فضایی، آی تی و اینترنت، از همه مهمتر پروژه های هسته ای حکومت مشغول به کار شده بودند.

در اقدامی دیگر حکومت برای سرپوش گذاشتن بر عرصه های تحقیق و فعالیت این شرکتها که اساسا در زمینه های نظامی، هسته ای، موشک و تولید سوخت جامد و پرتو افکنی لیزری و... فعال بودند، این شرکت ها را به زیر مجموعه های وزارتخانه های دولتی تبدیل کرد و اقدام به ایجاد "پارک های فناوری" کرد تا شاید بدین ترتیب تهدید تحریم کشورهای غربی را خنثی نماید.

در کشمکش بین غرب و حکومت اسلامی بر سر تلاش های هسته ای حکومت، دهها شرکت و ابسته به سپاه، بسیج، قرارگاه خاتم، کوثر، ابوذر، بنیاد برکت خامنه ای، شرکتهای آی تی وزارت ارتباطات که در زمینه برنامه ریزی کامپیوتری برای تاسیسات هسته ای فعالیت داشتند، در لیست تحریمهای آمریکا و غرب وارد شدند.

فشارهای غرب به رژیم مبنی بر تحریم شرکت های "دانش بنیان" رژیم که اساسا در صنعت هسته ای، از جمله در نیروگاه اتمی بوشهر، معدن اورانیوم گچین، مرکز هسته ای فردو، پارچین، مرکز غنی سازی اورانیوم نطنز، صنایع دریایی، تاسیسات هسته ای کرج، مرکز تحقیقاتی ورامین و تهران فعالیت دارند، پرده از ابعاد فعالیت این شرکت ها برداشت. در سالهای بعد کشمکش غرب و رژیم بر سر تحریم مهمترین این شرکتها که در بخش هسته ای و صنایع موشکی و غنی سازی فعال هستند، ادامه داشت. دهها شرکت سپاه و بسیج و بیت رهبری و ... در لیست تحریمها قرار گرفتند.

" شرکت های دانش بنیان" و بخشهای دیگر اقتصاد

خامنه ای وسران حکومت علیرغم "نرمش قهرمانانه" ای که در جریان مذاکرات هسته ای وین انجام داده و از تلاش های هسته ای شان عقب نشستند، این بار با اشاره به نقش این شرکت ها در پیشروی حکومت در عرصه هسته ای، موضوع ورود این شرکت ها به بخشهای دیگر صنعت، از

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۷

نفت و گاز و پتروشیمی گرفته، تا صنعت خودروسازی، آی تی و ارتباطات و اینترنت، کشتی سازی، ساختن پالایشگاها و کشاورزی را طرح کرده و مدعی شدند که این شرکتها توان و ظرفیت های مدرنیزه کردن اقتصاد و صنعت ورشکسته رژیم در همه بخش ها را دارند.

خامنه ای دوباره این عرصه را "جهاد تولید خودکفایی و اقتصاد مقاومتی" نامید و کل نظام را موظف کرد همه امکانات مالی، لوجیستگی و اعتباری برای این شرکت ها را تامین نماید. بدین ترتیب راه ورود این شرکت ها به عرصه های دیگر اقتصاد هموار شد و کلا بخشهای مهم اشاره شده در بالا در اقتصاد صنعتی، تولید و. غیره در اختیار این ها قرار گرفت.

از واخرا دهه ۹۰ شمسی فعالیتهای " شرکت های دانش بنیان" در عرصه های غیردفاعی و نظامی گسترش یافت. دولت و مجلس موظف شدند طرح هایی برای فعالیت این شرکت ها در عرصه های نفت، گاز، پتروشیمی، تولید و حفاری، تصفیه، خودروسازیها، کشاورزی و....آماده بکنند. با این تصمیم گسترش فعالیت های این شرکت ها در همه عرصه اقتصادی و صنعت و... تثبیت شد. خامنه ای ورود این شرکت ها به اقتصاد و بخش های مختلف صنعت، اولویت و جهت گیری نظام اعلام کرد. همزمان دولت و همه نهادهای مهم حکومتی را موظف کرد زمینه ها و امکانات پولی و مالی و زیرساختی برای دخالت و ورود این شرکت ها به اقتصاد را مهیا نمایند." شعار"اقتصاد مقاومتی و خودکفایی با تکیه بر دانش این شرکتها"،برای راه اندازی اقتصاد و صنایع ورشکسته و بخشا فرسوده استارت خورد. صدها شرکت و کارخانه بزرگ و زیان ده به مجموعه امکانتشان به این شرکت ها داده شد که کارهای تحقیقی کرده و اینها را راه بیندازند.

در مصوبه ای که مجلس در اواخر دهه ۹۰ شمسی تصوب کرد، امر نظارت و مدیریت " شرکت های دانش بنیان" از این به بعد زیر نظر شورای امنیت ملی جمهوری، کمیسیونی مشترکی از همه نهادهای نظامی و اطلاعاتی و سپاه قرار گرفت. بویژه بعد از حملات اسرائیل به تاسیسات هسته ای و مراکز تحقیاتی این شرکتها، موضوع امنیت امر جدی حکومت شد.

از اواخر دهه ۹۰ تغییرات اساسی در قوانین و مقررات اقتصادی جاری رژیم به نفع حضورو دخالت این شرکت ها در همه عرصه های تولیدی و صنعتی و اقتصاد و مالی داده شد. اختصاص بندهایی از بودجه های سالانه با ارقام نجومی دهها هزار میلیاردی برای این شرکتها، یک جزء ثابت سیاستهای اقتصاد مقاومتی خامنه ای شد.

برای نمونه امسال در لایحه بودجه امسال آمده:" جدولی با عنوان جدول شماره ۹ برآورد اعتبارات ردیف‌های متفرقه سال ۱۴۰۱ درج شده است که در آن بودجه‌ای به طرح‌های نوآورانه و شرکت‌های دانش‌بنیان معاونت علمی و فناوری رییس‌جمهور اختصاص داده شده است".

در توجیه این این موضوع دولت و سازمان برنامه و بودجه مدعی شده اند: شرکت های دانش بنیان ایجاد اشتغال بالایی دارند. با حمایت‌هایی که از این بخش می‌شود و می‌توان از واردات کالا یا خدمات خارجی جلوگیری کرد و در عمل کشور را به سمت عدم نیاز به فناوری خارجی سوق داد. علاوه بر این همچنین در بخش اطلاعات تکمیلی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نیز در جدول خلاصه بودجه دستگاه‌های تابعه نیز بودجه صندوق نوآوری شکوفایی، بنیاد ملی نخبگان و ستادهای توسعه فناوری در حوزه‌های مختلف درج شده و بودجه هایی به آنها اختصاص داده شده است".

"شرکت های دانش بنیان" که در عرصه صنایع و تحقیقات نظامی فعالیت می کردند، مواردی که در بالا به آنها اشاره شد، در چند سال اخیر با چرخش حکومت و خامنه ای در مورد اقتصاد و سیاست های اقتصادی، امروزه بزرگترین غول های حکومتی هستند که در راس همه آنها نیروهای سپاه و بسیج، وزارت اطلاعات و عناصر امنیتی قرار گرفته اند و هر کدام در قالب و پوشش قرارگاههای جهادی حکومت، بر بخش بزرگی از اقتصاد و صنعت و عرصه های مهم آن تسلط پیدا کرده اند.

همرمان با این سیاست کلی بودجه و دارایی و اعتبارات صدها هزار میلیاردی را در دست دارند که بخشی صرف دزدی و رانت و تقسیم بین باندهای حکومتی مقتدر حکومت و خامنه ای میشود و بخش دیگرش در صنایع و بخشهای اقتصادی که در دستشان است، برای سرپا نگه داشتن شان، نظیر تولید و صادرات نفت و گاز و پتروشیمی و خودروسازیها میشود. ورود این شرکت های به فعالیتهای غیر نظامی مورد ادعای حکومت برای "خودکفایی و رشد"، ادعایی بیش نبوده و هر جایی که رد پای اینها باز شده، واحدهای تولیدی ورشکسته شده و هزاران نفر بیکار شده اند. این سیاست اساسا در خدمت اولویت های خامنه ای و کل نظام و"اقتصاد مقاومتی خامنه ای" است. تقسیم سرمایه، پول و اعتبار بین باندهای شریک در این شرکتها، غارت و چپاول ثروت های جامعه و تحمیل فقر، گرانی، فلاکت و بیکاری بر پیکر یک جامعه ۸۰ میلیونی است. این سیاست ترفند جدید حکومت برای حفظ وبقای خود و نظامی کردن کل اقتصاد و تولید در جامعه است.

بیانیه سه زندانی سیاسی

سهیلا دالوند

رضا محمدحسینی، زرتشت احمدی راغب و عبدالرسول مرتضوی سه زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر روز ۳۱ فروردین طی بیانیه ای مشترک بر لزوم مبارزه با جمهوری اسلامی تاکید و اعلام کردند: "سرکوب و زندانی کردن هر روزه معترضین، پایمال شدن حقوق شهروندی مردم در زمینه تعیین سرنوشت خویش از طریق برگزاری تجمعات اعتراضی انتخابات آزاد و همچنین ورشکستگی اقتصادی، گرانی، تورم افسار گسیخته که زندگی میلیونها انسان را بطور جدی به وضعیت غیر قابل تحملی تبدیل کرده وچاره فقط بازگرداندن قدرت به دستان با کفایت صاحبان اصلی آن یعنی مردم است."

زندانیان سیاسی صدای معترض جامعه به ستوه آمده اند و به اشکال مختلف به سرکوب، زندان و وضعیت ضد بشری حاکم بر زندگی مردم اعتراض می کنند. آنها از درون اسارتگاه ها فریاد بر می آورند:

– برای اینکه قدرت به دست مردم باز گردد،

– برای اینکه از فلاکتهای اقتصادی، سیاسی رها شویم

– برای اینکه از حقوق شهروندی برابر برخوردار باشیم

– برای اینکه به استبداد ودیکتاتوری پایان بدهیم

تنها راه عملی، از بین بردنِ تمام این مشکلات، نابودی ویروسی به نام جمهوری اسلامی می باشد که جان و روان میلیونها انسانها را به مخاطره انداخته است. زندان دیگر محلی برای خاموش کردن صدای آن همه انسان های شریفی نیست که علیه ظلم و نابرابری به پا خاسته، و به این دلیل به بند کشیده شده اند. زندان در ایران ادامه و بازتاب دهنده فریاد سرنگونی مردم ایران است. این صدا را تقویت کنیم.

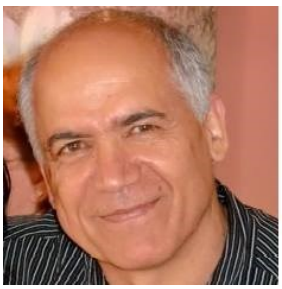

در مورد نیروهای مسلح حرفه ای مافوق مردم

اصغر کریمی

متن زیر بر مبنای مصاحبه در کانال جدید در سپتامبر ۲۰۱۶ تنظیم شده است

کیوان جاوید: نیروی مسلح حرفه ای و مافوق مردم چیست، به چه خدمت میکند، در همه کشورها هم هست و ظاهرا اینقدر پذیرفته شده است که گویا روی ضرورت آن حرفی نیست. شما چه میگویید؟

اصغر کریمی: نیروی مسلح چیزی جز دار و دسته اجیر شده توسط طبقه حاکم برای حفظ نظام موجودشان، تامین منافع اقتصادی‌شان، سرکوب مردم و حفظ بازار داخلی طبقه حاکم در مقابل حاکمان کشورهای دیگر نیست و مردم اینرا با گوشت و پوست خود بویژه در کشورهایی مانند ایران، چه دوره شاه و چه دوره جمهوری اسلامی، لمس کرده اند. نه تنها در نظام‌های سرکوبگر بلکه حتی در کشورهای غربی که درجه ای آزادی وجود دارد و برخی مطالبات مردم به طبقه حاکم تحمیل شده است، نیز ضرورت و کارکرد نیروهای مسلح در اساس فرقی ندارد. در خدمت طبقه حاکم و علیه اکثریت مردم است و اینکه طبقه حاکم میگوید ارتش منافع عموم مردم را نمایندگی میکند به همان اندازه دروغ است که میگویند دولت نماینده همه مردم است. در کشورهای اروپایی الان وضع طوری نیست که هر روز نیروی مسلحشان را علیه مردم به خیابان بیاورند یا اعتراض و اعتصابی را سرکوب کنند ولی اگر اعتراضات گسترده شود و خطری برای طبقه حاکم ایجاد کند در همین کشورها ارتش را به جان مردم می اندازند. این نیروی مسلح برای همین تربیت میشود، فرهنگ سازی یا در واقع شستشوی مغزی میشود، برای همین اطاعت کورکورانه را در ارتش حاکم میکنند، حق هر گونه اعتراض را از نیروی مسلحشان میگیرند تا در خدمت خودشان باقی بماند.

کیوان جاوید: ولی مگر اقتدار با نیروی مسلح بدست نمیاید؟ اسکندر و نادرشاه و چنگیزخان و یا هیتلر یا دولت آمریکا، آیا اینها با همین اقتدار نمیگویند که نیروی مسلح برای حفظ کشور لازم است؟ شما چطور اینرا توضیح میدهید؟

اصغر کریمی: همین مثالها و نمونه های اقتدار را بررسی کنیم به همان چیزی میرسیم که من توضیح دادم. نیروی مسلح در همه این دیکتاتوری ها و حکومت ها همان دو نقشی را که در ابتدا توضیح دادم بازی میکند. تاریخ اسکندر و چنگیز و نادرشاه و هیتلر و دولت آمریکا و سایر دولت ها و ارتش هایشان پر از جنایت در داخل مرزهایشان و خارج مرزهایشان است. هیتلر هم که جنایات و آدم کشی هایش هم در خود آلمان و هم در خارج مرزهایش روشن است، دولت آمریکا هم از نیروی مسلحش هم علیه مردم آمریکا استفاده کرده و هم علیه مردم ویتنام و یا حکومت هایی که ذره ای چپگرا بوده اند، صد تا حکومت نظامی در کشورهای مختلف مستقر کرده، کودتاهای عظیمی سازمان داده که حاصل هر کدامش کشتار دهها و صدها هزار نفر از مردم بوده است. در عراق ببینید چه خاکی به سر مردم ریخت و این کشور را به چه روزی انداخت یا جنگ های جهانی و بمب اتمی ارتش آمریکا در ژاپن چه فجایعی ببار آورد. در واقع هر چه دولت ها مقتدرتر میشوند و به تسلیحات بیشتری مجهز میشوند پایه های اسارت مردم را بیشتر محکم میکنند.

کیوان جاوید: بینندگان ما میتوانند این سوال را

اینکه طبقه حاکم میگوید ارتش منافع عموم مردم را نمایندگی میکند به همان اندازه دروغ است که میگویند دولت نماینده همه مردم است.

مقابل شما قرار دهند که باشد اینها جنگ طلب و مهاجم و ضدانسان ولی بهررو این دنیا پر از دولت های وحشی است و بعنوان مثال اگر در جنگ جهانی دوم کشورهای دیگر هم ارتش قوی نداشتند دولت آلمان خاک همه کشورها را به توبره کشیده بود. بنابراین اگر صلحدوست ترین دولت هم باشی نباید یک ارتش قوی و سازمانیافته در مقابل تهاجم دیگران داشته باشی؟

اصغر کریمی:یک استدلال هم این است که آمریکا نیروی اتمی دارد پس جمهوری اسلامی هم باید داشته باشد. پاکستان و اسرائیل و ترکیه هم باید داشته باشند. حساب کنید آنوقت به چه سر بشر میاید؟ این مقایسه ها این را ثابت نمیکند که همه باید ارتش حرفه ای قوی داشته باشند. بله در یک دنیای وحشی زندگی میکنیم اما این دنیای وحشی را همین ارتش ها و همین دولت ها ایجاد کرده اند. و اگر قرار است بشر از این وضع خلاص شود نمیتوان گفت فلان کشورارتش قوی دارد منهم باید داشته باشم و الخ. بحث ما در حزب کمونیست کارگری این است که نیروی مسلح حرفه ای و نیمه حرفه ای و مخفی و غیره که الان علیه مردم درست شده همه باید منحل شود.

کیوان جاوید: برنامه حزب کمونیست کارگری میگوید ارتش حرفه ای و نیروی مسلح مزدبگیر نداریم. بالاخره نیروی مسلح احتیاج هست یا نه؟ چون همیشه امکان حمله یک کشور دیگر وجود دارد مثل حمله عراق به ایران. شما میخواهید با یک نیروی غیر متخصص که تخصصش نظامی نیست به جنگ ارتش های حرفه ای بروید؟ آیا میتوان پزشکی را غیر تخصصی کرد؟ آیا میتوان همه را آموزش عمومی داد که پزشک باشند؟

اصغر کریمی: ما با نیروهای مسلح حرفه ای مافوق مردم و جدا از مردم مخالفیم و نه با مردم مسلح یا میلیس توده ای. این را پائین تر باز میکنم. اما اینجا دو مساله را اجازه بدهید توضیح بدهم. اولا جنگ ها که خودبخود اتفاق نمی افتد. جنگ را همین طبقات حاکم ایجاد میکنند. جمهوری اسلامی و دولت عراق با سیاست های ارتجاعی شان جنگی را به مردم دو کشور تحمیل کردند. مردم این دو کشور هیچ منفعتی در این جنگ نداشتند حز اینکه گوشت دم توپ شدند. خمینی گفت جنگ برکت است چون برای حفظ جمهوری اسلامی و همان اقتداری که گفتید لازم بود. از نظر سیاسی جنگ ابزاری برای سرکوب مردمی بود که بپاخاسته بودند و استحکام ارگانهای سرکوب حکومت. صدها هزار نفر از مردم هم گوشت دم توپ این جنگ ضد مردمی شدند. در عراق هم روند مشابهی علیه مردم این کشور شکل گرفت. در واقع این جنگ ها بخاطر سیاست های ارتجاعی دولت ها و طبقات حاکم ایجاد میشود نه بخاطر مردم یک کشور علیه کشوری دیگر.

اما جنبه دوم مساله این است که یک حکومت انسانی جلو خیلی جنگها را میتواند بگیرد یعنی از جنگ پیشگیری کند. ما جامعه ای خواهیم ساخت که از سرکوب زنان خبری نیست، زن و مرد برابر هستند، شکنجه و اعدامی در کار نیست، مردم آزادی دارند، اکثریت مردم یا همه مردم طرفدار آن سیستم انسانی حاکم هستند و این مشروعیت مهمی برای این حکومت ایجاد میکند که حمله به آنرا مشکل میکند.

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه از صفحه ۱۰

اینطور نیست که هر دولتی هر لحظه بخواهد میتواند تصمیم بگیرد به کشور دیگری حمله کند. مقدماتی لازم دارد، توجیهاتی لازم دارد، افکار عمومی را باید آماده کند حتی خود نیروی مسلح را هم کم و بیش باید قانع کند. ما در ایران سر کار بیاییم هر نوع سلاح کشتار جمعی را جلوی چشم جهانیان نابود میکنیم. نه سلاح اتمی نه هیچ سلاح کشتار جمعی دیگری، شیمیایی و غیر شیمیایی لازم نداریم. ریشه تروریسم را هم خشک میکنیم. این سیاست ها بسیاری از بهانه های حمله نظامی را از بین میبرد. درست است دنیا دست جنایتکاران است اما بالاخره باید افکار عمومی را آماده کنند. در مورد عراق مثلا گفتند سلاح کشتار جمعی دارد و تبلیغات دروغینی سر هم کردند و فاکتهای جعلی به خورد مردم دادند، بخشی از افکار عمومی هم تحت تاثیر این تبلیغات و با توجه به اینکه حکومت صدام هم حکومت جنایتکاری بود فکر کردند که سلاح کشتار جمعی در عراق واقعیت دارد و بالاخره بعد از این پروپاگاندای عظیم به عراق حمله کردند. اگر کشوری دیپلماسی سری نداشته باشد، درهایش به روی مردم دنیا باز باشد، سیاست هایش شفاف و علنی باشد، بیشترین آزادی ها را هم در جامعه حاکم کرده باشد، آنوقت پروپاگاندا و حمله به چنین حکومتی ساده نیست.

کیوان جاوید: یعنی شما میخواهید فقط با شکل دادن به افکار عمومی در مقابل یک حمله احتمالی بایستید؟ دولت سوسیالیستی هواپیمای جنگی و سلاح های پیشرفته احتیاج ندارد؟

اصغر کریمی: من در مورد سیاست پیشگیری و اهمیت حیاتی آن صحبت کردم. معنی اش این نیست که دیگر امکان تهاجم به این کشور وجود نخواهد داشت. علاوه بر پیشگیری نیروی مسلح هم لازم است اما نه نیرویی به شکل موجود، یک ارتش حرفه ای در پادگان نگهداشته شده و مغزشویی شده که شغل اصلی اش سرکوب اعتراضات و خیزش های مردم است و در طول عمرش ممکن است یکبار هم در مقابل یک ارتش دیگر قرار بگیرد. ما به یک نیروی مسلح توده ای نیاز داریم یک میلیس توده ای. شوراهای مسلحی که مشغول کار و زندگی هم هستند نه اینکه زندگی شان در پادگان و به دور از جامعه میگذرد. مشغول کار و زندگی هستند اما سالی چند هفته هم آموزش میبینند. موقعی که حکومتی نماینده اکثریت مردم باشد، اکثریت مردم حاضرند اسلحه بردارند و در مقابل یک خطر از طرف حکومتی دیگر بجنگند، این بزرگترین قدرت نظامی را ایجاد میکند در مقایسه با حکومتی که مال یک اقلیت استثمارکننده است، سربازش ناراضی است، نصف نیروی نظامی اش ناراضی است، خانواده های آنها هم ناراضی اند، چنین نیروی مسلحی انگیزه ای برای شرکت در جنگ ندارد، حاضر به فداکاری نیست، فرصتی گیر بیاورد فرار میکند و جایی اگر بتواند گلوله را به طرف فرماندهانش شلیک میکند.

کیوان جاوید: شما از چگونه نیرویی که مثلا معلم است و صبح در مدرسه تدریس میکند یا در کارخانه کار میکند و یا دانشجو است و حرفه و مشغله اش چیز دیگری است میخواهید یک هواپیمای جنگی را هدایت کند یا نقشه جنگ را بکشد؟ آیا لااقل به یک نیروی متخصص دائمی که بتواند دیگران را هم آموزش بدهد نیازی ندارید؟ اگر میگویید لازم دارید پس ارتش حرفه ای دارید.

اصغر کریمی: بله ممکن است تعداد معینی آدم حرفه ای داشته باشید اما حتی در مورد این بخش از نیروی مسلح هم اینطور نیست که ده سال بیست سال در پادگان زندگی میکنند و حرفه شان فقط کار نظامی است و در هیچ فعالیت اجتماعی و سیاسی شرکت ندارند. اول بیایید اینرا روشن کنیم که آیا نیروهای مسلحی که در تمام طول تاریخ از دوره برداری تا فئودالی و سرمایه داری در همه کشورها یک نیرویی بوده که مردم را سرکوب کرده و هیچوقت در خدمت اکثریت جامعه علیه اقلیت حاکم نبوده را همچنان به همان شکل نیاز داریم یا نه. در تمام طول تاریخ از زمانی که جوامع طبقاتی شده اند نیروی مسلح حرفه ای مال طبقه حاکم و استثمارگر بوده علیه شورش بردگان و دهقانان و کارگران و توده های زحمتکش. حتی یکبار سراغ ندارید که نیروی سرکوب علیه کارفرماها یا اربابان به خیابان آمده باشد. این یک فاکت واقعی است. اگر اینطور است پس شکی نباید داشت که باید این سیستم عوض شود. اما در عوض ما به نیروی مسلح مردمی احتیاج داریم که در فعالیت اجتماعی شرکت دارند، گاهی در یک دوره نظامی شرکت میکنند و آموزش میبینند و اگر جنگی به این کشور تحمیل شد برای شرکت در جنگ آماده میشوند. خلبانی یا کار با سلاحهای پیچیده را هم میتوان در دوره های معین آموزش دارد ولی این به معنی حرفه ای بودن خلبانان و دیگر متخصصان نیست. بعد از آموزش نظامی، در جامعه مشغول کار میشوند و هر وقت لازم بود در ارتش توده ای خدمت میکنند. ولی الان سربازی اجباری داریم دو سال جوانان را میبرند از آنها بیگاری میکشند و آموزش هایی ابتدایی به آنها میدهند. ما هم میتوانیم نه به این شکل بلکه به شکلی دیگر همه مردم را به کمک افراد متخصص آموزش بدهیم و اتفاقا آموزش هایی بسیار سطح بالاتر به آنها بدهیم. و موقعی که اینکار داوطلبانه است و اجباری در کار نیست مردم با علاقه بیشتری از آن استقبال میکنند. موقعی که توده های وسیع مردم در سازمان شورایی شان مسلحند، دولتی که میخواهد به این کشور حمله کند حساب میکند که بفرض خوزستان را هم گرفتیم در مقابل چنین مردمی آیا دوام خواهیم آورد؟ آیا چنین مردمی قابل کنترل هستند؟ آیا میشود بر چنین مردمی حکومت کرد؟

یک نکته دیگر اینکه ارتش توده ای و غیر حرفه ای را بر خلاف ارتش های حرفه ای و کلاسیک نمیتوان برای سرکوب مردم به خیابان آورد این ارتش خود مردمند خود شوراها هستند، خودشان کارگر یا پرستار و پزشک و دانشجو و معلم و بخشی از خود مردمند. ارتشی حاضر است در مقابل مردم بایستند که در پادگانها نگهش میدارند، مغزشویی اش میکنند، اطاعت کورکورانه را به او تحمیل میکنند، جرات هرگونه اعتراض و حتی انتقاد را از او میگیرند و یک سازمان جاسوسی مخفی هم برای کنترل و ارعاب او در خود نیروی مسلح درست میکنند. ابتدا باید توافق کنیم که چنین نیرویی نمیخواهیم. یک نظام انسانی و سوسیالیستی نوع دیگری از نیروی مسلح و سازمان دیگری از نیروی مسلح احتیاج دارد.

اجازه بدهید این نکته را هم اضافه کنم شخصا فکر میکنم یک حکومت سوسیالیستی و یک نظام مردمی الزاما نیازی به عالیترین تجهیزات نظامی که هر روز توسط کمپانی های اسلحه سازی اختراع و تولید میشود ندارد و نباید هر روز مشغول گسترش تجهیزات نظامی و صرف بودجه هنگفت برای آن باشد. چون قصد حمله به کشوری دیگر و کشورگشایی ندارد. صرفا یک نیروی دفاعی میخواهد. نباید در زمینه تسلیحات مدام در حال رقابت با کشورهای دیگر باشد.

کیوان جاوید: یک مساله دیگر که زندگی را بویژه بر نسل جوان تلخ کرده در جایی مثل ایران سربازی اجباری است. شرکت در جنگ هم اجباری است. ولی در یک حکومت سوسیالیستی، اولا سربازی اجباری چه میشود و ثانیا موقع یک جنگ احتمالی کسی که علاقه به شرکت در جنگ نداشته باشد یا روحیه اش را نداشته باشد چه میشود؟

ادامه در صفحه ۱۲

نیروی مسلح مافوق مردم چیزی جز دار و دسته اجیر شده توسط طبقه حاکم برای حفظ نظام موجودشان، تامین منافع اقتصادی‌شان، سرکوب مردم و حفظ بازار داخلی طبقه حاکم در مقابل حاکمان کشورهای دیگر نیست و مردم اینرا با گوشت و پوست خود بویژه در کشورهایی مانند ایران، چه دوره شاه و چه دوره جمهوری اسلامی، لمس کرده اند.

ادامه از صفحه ۱۱

اصغر کریمی: اولا هر نوع اجبار مردم به حتی یک دوره آموزشی مثلا سالی یکبار باید ممنوع شود. هر کس نخواهد در جنگ شرکت کند باید کاملا آزاد باشد. هر نوع اجباری برای مشارکت دادن مردم در جنگ باید اکیدا ممنوع شود. و نباید نگران بود که اگر آزاد باشند در فعالیت نظامی و یک جنگ احتمالی شرکت نمیکنند. موقع انقلابات مردم سینه خودشان را در مقابل نیروی مسلح سپر میکنند بدون اینکه از کسی پاداشی بگیرند باتوم میخورند ولی دوباره به خیابان میروند و شعار میدهند چون فکر میکنند برای امر مقدسی دارند مبارزه میکنند. در یک حکومت انسانی هم اکثریت مردم مشتاقانه در فعالیت نظامی شرکت خواهند کرد تا نظامی که مال خودشان است را حفظ کنند. حضور در فعالیت نظامی کاملا باید داوطلبانه باشد و همین علاقه مردم را بیشتر میکند. مجبور کردن کسی که علاقه ای به شرکت در یک فعالیت نظامی ندارد یا روحیه این کار را ندارد بشدت غیر انسانی است.

کیوان جاوید: بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی با صدها هزار نیروی مسلح در سپاه و ارتش و بسیج و نیروی انتظامی و غیره چه میکنید؟ آیا از اینها انتقام گرفته میشود بخاطر اینکه نقش حفظ این حکومت را داشته اند؟

اصغر کریمی: اولین مساله این است که کل اینها از ارتش و سپاه و حراست و وزارت اطلاعات و بسیج و نیروی انتظامی یعنی کل نیروهای مسلح و شبه مسلح جمهوری اسلامی و انواع دار و دسته های مسلح که زیر نظر این آیت الله یا آن آیت الله ها درست شده اند باید منحل شوند. این شرط موفقیت یک انقلاب هم هست که ماشین جنگی حکومت را باید در هم شکست. بخش اعظم این نیروها مثل بقیه مردم وارد کار مفیدی در جامعه میشوند، کارگر کارخانه یا معلم مدرسه یا مهندس فلان موسسه یا پرستار و پزشک یک بیمارستان میشوند و از توانایی و تخصص آنها استفاده میشود. الان صدها هزار نیروی مسلح و صدها هزار آخوند بدون اینکه کوچکترین کار مفیدی انجام بدهند بخش مهمی از بودجه مملکت صرف آنها میشود، در حالیکه جامعه نیاز به صدها هزار مسکن جدید و صدها بیمارستان و هزاران مدرسه دارد. بخشی از این نیروهای مسلح هم که مستقیما در سرکوب مردم، شکنجه و کشتار مردم دست داشته اند، یا دستور جنایت داده اند یا شاکی خصوصی دارند و ... باید بدست عدالت سپرده شوند. اما قرار نیست به صرف عضویت در نیروی مسلح یعنی چند صدهزار نفر بعنوان مجرم به دادگاه کشانده شوند. بخش اعظم اینها در طول انقلاب به مردم میپیوندند. میگویند اشتباه کردیم و واقعا همین الان اکثرا از این حکومت ناراضی اند میدانند در میان مردم منفورند و دوست دارند یک کار مفیدی بکنند و یک شغل شرافتمندانه داشته باشند. قرار نیست اینها را کسی به دریا بریزد یا گرسنگی بدهد. در یک نظام انسانی اینها هم میتوانند یک زندگی مفید و انسانی را شروع کنند*

بجای یک ارتش حرفه ای مافوق مردم، ما به یک نیروی مسلح توده ای نیاز داریم. شوراهای مردم مسلح که مشغول کار و زندگی هم هستند نه اینکه زندگی شان در پادگان و به دور از جامعه میگذرد. مشغول کار و زندگی هستند اما سالی چند هفته هم آموزش میبینند.
ارتش و سپاه و حراست و وزارت اطلاعات و بسیج و نیروی انتظامی یعنی کل نیروهای مسلح و شبه مسلح جمهوری اسلامی و انواع دار و دسته های مسلح که زیر نظر این آیت الله یا آن آیت الله ها درست شده اند باید منحل شوند. این شرط موفقیت یک انقلاب هم هست که ماشین جنگی حکومت را باید در هم شکست.

زخمی شدن ۱۰ کولبر توسط نیروهای هنگ مرزی جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

بنا به اخباری که از سوی سازمان حقوق بشری هه نگاو منتشر شده است، شامگاه ک‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۱ (۱۷ آوریل ۲۰۲۲)، نیروهای هنگ مرزی مستقر در مرز نوسود شماری از کولبران را به رگبار بسته‌اند که در نتیجه این جنایت دست‌کم ۱۰ کولبر زخمی شده‌اند. هویت ۸ نفر از آنها عبارتند است از: حسیب عزیزی اهل روستای "شمشیر" از توابع پاوه، ساسان خانی اهل ثلاث‌باباجانی، عثمان شاهمرادی، مبین، سعدالله حسینی، مهدی، نامدار حسینی و حبیب اهل جوانرود. بنا به خبرها کولبران با سلاح ساچمه‌ای و از ناحیه سر، پشت و دست مورد هدف نیروهای هنگ مرزی قرار گرفته که جهت مداوا به بیمارستان "قدس" پاوه منتقل شده‌اند. گفته میشود که طی کمتر از یک هفته حداقل ۱۷ کولبر در مرز نوسود با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شده‌اند.

قاتلان و آدمکشان اسلامی روزی نیست که خانواده های بسیاری را داغدار نکنند. مزدوران و باندهای اسلامی با به قتل رساندن و زخمی کردن هر کولبر نه تنها جان و زندگی را از او می گیرند بلکه سرنوشت و زندگی حال و آینده خانواده و فرزندان او را نیز نابود کرده و تباه می سازند.

حکومت اسلامی میلیاردها تومان از هستی مردم را صرف سپاه تروریستی پاسداران و بسیج و امام زاده ها، مراکز خرافه و دیگر نیروهای سرکوبگر می کند و فقر مطلق را به مردم تحمیل کرده است. باید وسیعا به این همه جنایت از سوی مزدوران حکومت اسلامی اعتراض سازمان داد. نباید اجازه داد که قاتلان اسلامی بیش از این کولبران را مورد این همه ظلم و جنایت قرار داده و زندگی خانواده های آنان که چشم به راه نان آور خود هستند را تباه کنند.

کمیته کردستان حزب از مردم شهرهای کردستان و همه انسانهای شریف و آزاده می خواهد که کولبران را تنها نگذارند و اعتراضی جمعی را علیه سبعیت حکومت اسلامی سازمان دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۲۹ فروردین ۱۴۰۱، ۱۸ آپریل ۲۰۲۲

اول اردیبهشت: معلمان در سراسر کشور تجمع و اعتراض کردند
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲۱ آپریل ۲۰۲۲

ساعت ده صبح امروز اول اردیبهشت ۱۴۰۱ معلمان در شهرهای بسیاری تجمع و اعتراض کردند و روز درخشان دیگری را در مبارزات خود رقم زدند. این تجمعات بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش، مراکز استانها مقابل ادارات کل و در شهرستانها مقابل ادارات آن برگزار گردیدند. معلمان با شعار "فقط کف خیابان، بدست میادحقومون" پاسخ محکمی به سرکوبگریهای حکومت و احضار کردنها و پرونده سازی های آنها دادند و پیگیر مطالباتشان شدند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان گزارشات تاکنونی از تجمعات امروز در این شهرها خبر میدهند: تهران، شیراز، اصفهان، یزد، بهمئی، رشت، سقز، سنندج، کامیاران، مشهد، اهواز، پلدختر، زنجان، دهگلان، قم، بوکان، اسلام آباد غرب، نیشابور، کرج، شهرکرد، خرم آباد، تاکستان، شهرضا، بیجار، الیگودرز، کوهدشت، اراک، بوشهر، مهریز، همدان،

در تهران فضای مقابل وزارت آموزش و پرورش بشدت امنیتی بود و از همان آغاز صبح از میدان فردوسی تا انتهای خیابان قرنی نیروهای لباس شخصی و گارد و انتظامی تمام مسیر را قرق کرده و اجازه حضور معلمان رو نمیدادند. طبق این خبر در همان دقایق اول تعدادی از معلمان زن و مرد در تهران دستگیر شدند که هنوز اطلاع دقیقی از اسامی و شمار آنها در دست نیست. شهرزاد قدیري عضو کانون صنفی معلمان و گودرزی معلمی از اسلامشهر از جمله بازداشت شدگان هستند. در رابطه با تجمع این روز در تهران یکی از معلمان زن طی سخنانی خطاب به وزیر آموزش و پرورش میگوید: "از چه می ترسید؟ معلم فقط دادخواه است. خجالت بکشید.".

در شیراز جمعیت بزرگی شرکت کرده بودند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد در فضای خیابانها طنین انداخته بود. معلم زندانی آزاد باید گردد یک شعار برجسته تجمعات این روز بود و معلمین با این شعار و با تجمعات سراسری خود پاسخ سرکوبگری های حکومت را دادند . شعارهای دیگر این تجمعات عبارت بودند از: "معلم به پا خیز برای رفع تبعیض"، "معلم داد بزن، حقتو فریاد بزن"، " معلم زندانی راهت ادامه دارد"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "اجرای رتبه بندی بدون حقه بازی"، "آموزش رایگان، حق فرزندانی ایران"، "رتبه بندی حل نشه، کلاسها تعطیل میشه" . در این تجمعات همچنین بنرهایی با نوشته "معلم، کارگر، اتحاد، اتحاد"، "آموزش به زبان مادری"، "تحصیل رایگان"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "آزادی معلمان زندانی و لغو احکام قضایی"، همراه با پوسترهایی از معلمان زندانی و حکم گرفته در دست شرکت کنندگان توجه ها را بخود جلب میکرد.

اعتراضات معلمان و خواستهایشان با حمایت وسیعی از سوی کارگران، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه روبرو شده است. معلمان بازنشسته نیز در این تجمعات شرکت داشتند. حضور زنان همچنان برجسته بود .

به مناسبت تجمع امروز اول اردیبهشت از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان قطعنامه ای منتشر شده بود که حرف مشترک معلمان در تجمعات این روز بود. اولین تاکید این قطعنامه این بود که تا زمانی که مطالبات معلمان محقق نگردد خیابان را ترک نخواهند کرد و سرکوب و زندان و پرونده سازی قادر نیست جنبش معلمان را یک گام به عقب براند. بی پاسخ ماندن خواسته های اعلام شده ، سیاست های غلط مورد توافق همه جناحهای حکومتی در آموزش و پرورش و نگاه ایدئولوژیک به آن، وجود یک وزیر نالایق در راس این وزارتخانه و تدوین قوانین و آیین نامه های ضد معلم و ضد آموزشی از جمله تدوین ناقص آیین نامه رتبه بندی، محقق نشدن همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، و تشدید سرکوبگری های حکومت از جمله موضوعات مورد اعتراض معلمان در این قطعنامه است. در این قطعنامه معلمان همچنین سیاست های خصوصی سازی و پولی سازی آموزش که موجب افزایش کودکان کار و بازمانده از تحصیل و گسترش آسیب‌های اجتماعی شده است، را محکوم کرده اند و خواستار تحصیل رایگان و با کیفیت برای همه کودکان شده اند. بعلاوه یک خواست معلمان در این قطعنامه عزل وزیر آموزش و پرورش است.

در این قطعنامه

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه ۱۳

همچنین معلمان با اشاره به ادامه بازداشت شماری از همکاران خود و صدور احکام ظالمانه علیه معلمان معترض و احضارها و دادگاهی کردن ها، بر آزادی فوری معلمان زندانی و توقف پرونده سازی های امنتی تاکید کرده اند. از جمله در بخشی از آن چنین آمده است:" امروز محمدتقی فلاحی، لطیف روزیخواه، یعقوب یزدانی، حسین رمضانپور، ناهید فتحعلیان، زینب همرنگ، معصومه عسگری، هاله صفرزاده، عالیه اقدام دوست، هاشم خواستار، محمدحسین سپهری و جواد لعل محمدی دوران حبس خود را سپری می‌کنند درحالی‌که اسماعیل عبدی به‌صورت ظالمانه بیش از هفت سال است که به بند کشیده شده است ما خواهان آزادی بی‌قیدوبند تمام معلمان دربند به‌ویژه اسماعیل عبدی هستیم".

معلمان در ادامه چنین تاکید کرده اند "در دور جدید سرکوب معلمان شاهد صدور احکام ظالمانه علیه فعالان صنفی هستیم. صدور ۵ سال حکم زندان و به همراه تبعید و ممنوع‌الخروجی برای رسول بداقی، صدور ۴ سال و ۶ ماه حکم برای جعفر ابراهیمی، ۱۲ سال حبس علیه مهدی فتحی و تأیید حکم زندان رسول کارگر و فرزانه ناظران پور همه برای ارعاب معلمان است. ما خواهان لغو این احکام ظالمانه هستیم. سرکوب معلمان محدود به این موارد نمی‌گردد طی شش ماه گذشته صدها معلم در سراسر کشور به بازپرسی و نهادهای امنیتی احضار شده و دادگاه محمود بهشتی لنگرودی، محمود ملاکی، عزیز قاسم‌زاده ، رادا مردانی ، پیروز نامی ، علی کروشات، فرنگیس نسیم پور، غلامرضا غلامی کندازی و ... برگزارشده است و محمد رضا رمضانزاده نیز دوران محکومیت خود را با پابند الکترونیکی سپری می کند. همه این‌ها برای توقف مطالبه گری است ما خواهان توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان هستیم.".

در بخش پایانی قطعنامه معلمان بر ادامه اعتراض تا تحقق مطالبات تاکید کرده و مینویسند:"ما با صدای رسا اعلام می‌کنیم که مطالبات ما بخشی از حقوق انسانی و اولیه ماست، تشکل یابی و تجمع حق مسلم ماست. تنها راه تحقق مطالبات فرهنگیان اتحاد و همبستگی تشکیلاتی است و به‌زودی تاریخ تجمع بعدی را اعلام می‌کنیم و روند اعتراض تا تحقق مطالبات ادامه خواهد داشت".

معلمان در سال گذشته یازده تجمع و اعتصاب سراسری و با شکوه و قدرتمند بر پا کردند و امروز اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ دور جدیدی از اعتراضات آنان به جریان افتاد. خواستهای معلمان مطالبات همه مردم است. معلمان صدای اعتراض کل جامعه و یک سنگر مهم مبارزاتی مردمی هستند. از خواستها و مطالبات معلمان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲۱ آپریل ۲۰۲۲

احکام صادره برای رسول بداقی را محکوم میکنیم

رسول بداقی زندانی سیاسی سابق و از اعضای هیات مدیره ی کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، در دادگاه بدوی جمهوری اسلامی به پنج سال زندان محکوم شده است. رسول بداقی به اتهام اجتماع و تبانی.به چهار سال حبس و به اتهام فعالیت تبلیغی به یک سال محکوم شده است. رسول بداقی همچنین به منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استانهای هم جوار به مدت دو سال محکوم گردیده است. این احکام با موجی از اعتراض در میان معلمان، بازنشستگان و فعالین اجتماعی روبرو شده است. یک موضوع اعتراض معلمان در اولین تجمع سراسری آنها در سال جاری در یکم اردیبهشت ماه اعتراض به تشدید فشار های امنیتی، ادامه بازداشت معلمان دربند و پرونده سازیهای امنیتی و صدور احکام زندان برای معلمان معترض است. بعلاوه تشدید فشارهای امنیتی بر روی معلمن ومشخصا احکام صادره برای رسول بداقی بازتاب جهانی داشته و از جمله سندیکاهای کارگری سوئد طی بیانیه ای این حکم را محکوم کرده وخواستار لغو فوری آن شدند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: " صدور حکم زندان علیه رسول بداقی ضد انسانی است و این حکم در دادگاه تجدید نظر باید لغو شود. رسول بداقی نباید هزینه بیشتری برای دفاع از حقوق معلمان بپردازد. این بانگی است که طی چند روزه اخیر توسط معلمان مبارز و تشکل های معلمان در سراسر کشور به صدا در آمده است و بانگ آن در روز اول ماه مه رساتر خواهد شد. مقامات قضایی و دولت ایران بهتر است در پاسخگویی به این بانگ هر چه زودتر این حکم و همه احکام ناعادلانه علیه معلمان معترض و حق خواه را لغو کنند". در خاتمه پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد خود را با معلمان عدالتخواه و آزادیخواه همصدا دانسته و بر مطالبه لغو فوری احکام صادره علیه رسول بدقی تاکید کرده و بر مطالبات زیر تاکید کرده :

آزادی فوری همه فعالین کارگری, مد نی و معلمان زندانی

* تصویب و اجرای مقاوله نامه های حقوق بشر سازمان ملل، مقاوله نامه ۲۳ و مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار

* سازمانهای کارگری سندیکایی و نمایندگان منتخب و اعضای آنها بدون ترس از خشونت، تهدید زندان و اخراج از کار اجازه فعالیت داشته باشند

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد مرکب از نهادهای زیر هستند: سازمان مرکزی کارگران سوئد، ال او ، سندیکای کارگران حمل و نقل سوئد، اتحادیه فلز سوئد ، اتحادیه کمونال (شهرداریها) ، اتحادیه سراسری معلمان سوئد

فری دم ناو، کمپین برای ازادی کارگران زندانی همصدا با معلمان و مردم معترض در ایران حمایت وسیع خود را از اعتراضات و خواستهای معلمان اعلام کرده و تلاش میکند صدای آنها در سطح جهان باشد. فری دم ناو بر کارزاری جهانی در همبستگی با مبارزات معلمان در ایران و در سطح بین المللی تاکید دارد و برای آن تلاش میکند و همه بخش های کارگری و مردم در ایران را به حمایت از این کارزار فرا میخواند. کمپین همچنین از اتحادیه های کارگری در سطح جهانی انتظار بیشترین حمایت و پشتیبانی را دارد. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های امنتیق تشکیل شده برای رسول بداقی و همه فعالین سیاسی باید مسدود و احکام قضایی صادره برای آنها لغو گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، ۳۰ فروردین ۱۴۰۱

Shahla.daneshfar2
@gmail.com.

تجمع سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر

روز ۲۸ فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض و بخاطر وضعیت معیشتی خود دومین تجمع اعتراضی خود در سال ۱۴۰۱ را برای پیگیری مطالباتشان برگزار کردند. این تجمعات در شهرهای رشت، کرمانشاه، مشهد، بجنورد، ایلام، اراک، اردبیل و کرج مقابل سازمان تامین اجتماعی برگزار شد.

در کرمانشاه بازنشستگان با پهن کردن سفره خالی و با شعارهای "بازنشسته به پا خیز، برای رفع تبعیض"، و "سفره ما خالیه، جیب اونا عالیه"، اعتراض خود را به بی پاسخ ماندن خواستهایشان و به فقر و بی تامینی اعلام کردند.

اعتراض بازنشستگان به ادامه مشکلات معیشتی و بدتر شدن هر روزه وضعیت زندگی و معاششان است.

تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، پرداخت عیدی برابر دو ماه حقوق و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در قطعنامه هایشان است.

اعتراض به فقر و فلاکت و تبعیض ها ونابرابری ها ، اعتراض به اختلاس ها و دزدی ها و سرکوبگری های حکومت و دفاع از زندگی و معاش، محور مشترک همه این اعتراضات است. روز جهانی کارگر که نزدیک میشود میتواند روز نماد اتحاد سراسری بازنشستگان و معلمان و بخشهای مختلف کارگران در ایران حول خواستها و اعتراضات سراسری شان باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۴۰۱، ۱۷ آوریل ۲۰۲۲

اخبار نفت
کارگران پیمانی نفت در تدارک اعتصابی سراسری

فراخوان به اعتصاب در پنجم اردیبهشت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای به تاریخ ۱ اردیبهشت تحت عنوان " ما کارگران پروژه ای (پیمانی) نفت اعتراضات گسترده خود را آغاز میکنیم از اعتراضات گسترده کارگران پروژه ای پیمانی نفت و اعتصاب گسترده و سراسری آنها در دوم و پنجم اردیبهشت ماه خبر میدهد. "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" قبل از آن نیز ضمن اعلام خبر وارد اعتصاب شدن کارگران پیمانی نفت و گاز در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان و بی پاسخ ماندن خواستها و مطالباتشان از روز دوم اردیبهشت، بر اینکه پیمانکارن مفتخور حتی از افزایش دستمزد تایید شده شورای عالی کار که ۵۷ درصد اعلام شده، امتناع میکند، خبر داده بود. از جمله در آن به مجموعه اعتراضاتی که در رابطه با این موضوعات در مراکز مختلف کارگری جاریست اشاره شده بود. بر اساس خبرهای منتشر شده از سوی این شورا بسیاری از شرکت ها به کارگران اعلام کرده اند که ما افزایش حقوق برایتان نخواهیم داشت. این درحالی است که قیمت اجناس سرسام آور افزایش یافته و این افزایش ها سیر صعودی دارد.

در مقابل قلدری های پیمانکاران در بعضی کارگاهها کارگران دست از کار کشیده و تسویه حساب کرده اند و در برخی شرکت ها نیز در درون شرکت دست به اعتصاب زده اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اتحاد مبارزاتی کارگران در برابر عمل متحد پیمانکاران چپاولگر تاکید کرده است.

شورای سازماندهی در بیانیه های خود بر مطالبات زیر تاکید میکند:" کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی، افزایش حقوقها متناسب با نرخ واقعی هزینه های زندگی و افزایش هر روزه آن با تاکید بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون باشد. در عین حال شورای سازماندهی بر درمان رایگان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن به عنوان حقوق پایه ای همه کارگران و همه مردم، خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزات و تهدید کارگران به اخراج بخاطر طلب حق و حقوق شان، و برقراری شرایط انسانی کاری و زیستی در محیطهای کار و زندگی کارگران از جمله بهبود قابل قبول خوابگاهها، غذاخوریها و وضع غذا تاکید کرده است.

در فراخوان مربوط به اعتصاب سراسری برای پنجم اردیبهشت تحت عنوان "کمپین" از کارگران خواسته شده است که با دو مطالبه بیست روز کار و ده روز استراحت و افزایش ۵۷ درصدی دستمزد در این روز کار را تعطیل و کارگاهها را تخلیه کنند. اما اینها متاسفانه به اسم کارگران تاکید کرده اند که اگر تا قبل از پنجم اردیبهشت به این دو خواست آنها پاسخ داده شود، کمپینی برای سال ۱۴۰۱ نخواهند داشت. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت با استناد به گرانی روزافزون در سطح جامعه بر ادامه اعتراضات و ضرورت اعتصابی سراسری در برابر تعرضات هر روزه بر زندگی و معیشت کارگران تاکید کرده و مینویسد:"ما همانطور که اعلام کردیم برای اعتصابات روزهای دوم و پنجم اردیبهشت و برای گرامیداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر آماده می شویم و تاکید ما بر اعتصابی قدرتمند و سراسری است. تاکید ما بر تجمع در مقابل کارگاهها و پالایشگاه هاست. تاکید ما بر تشکیل مجامع عمومی و تعیین نمایندگان منتخب مجامع عمومی مان برای نمایندگی شدن در مذاکراتی است که با کارفرمایان و پیمانکاران خواهیم داشت. با چنین تدارکی از مبارزه ما به استقبال روز جهانی کارگر میرویم و همصدا با همکاران خود در سراسر ایران وهم طبقه ای هایمان در جهان این روز را گرامی میداریم.".

در خاتمه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با اشاره به تجربه اعتراضات سراسری کارگران پیمانی نفت در سال گذشته و تاکید بر اینکه تخلیه خوابگاهها پاسخ نیست، بر برپایی مجامع عمومی قدرتمند از نوع مجمع عمومی کارگران پیمانی نفت در هفشجان ودیگر مراکز نفتی در سال گذشته و بر خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی تاکید کرده و هر قدم از پیشروی در تحمیل خواستهای خود را گامی در جهت تضعیف بساط پیمانکاران مفتخور می داند.

گفتنی است که علاوه بر این اتفاقات در بخش های دیگر نفت نیز هر روز اعتراض و مبارزه است و همه این اتفاقات به روشنی حاکی از فضای انفجاری اعتراضی در نفت است. همه اینها حاکی از فضای انفجاری اعتراض در نفت است.

این چنین است که در آستانه فرا رسیدن روز جهانی کارگر نفت در تلاطم و اعتراض است . اعتراضات کارگران نفت در کنار اعتراضات قدرتمند معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه تاثیر خود را بر فضای سیاسی جامعه و فضای روز جهانی کارگر میگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲۱ آپریل ۲۰۲۲

ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران
بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر

1 May International Workers Day

کارگران جهان متحد شوید!

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱ مه ۲۰۲۲
۱:۳۰ بعدازظهر ایران - ۱۱ صبح اروپای مرکزی

در تلویزیون کانال جدید

KANAL JADID کانال جدید

پخش مستقیم در یوتل ست و یاهست
اینستاگرام، توییتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب

۰۰۴۴۶۷۲۲۸۰۷۰۵۲
www.kanaljadid.com

KANAL JADID کانال جدید
پخش زنده آنلاین:
پخش زنده
newchannel.tv/live/tv
فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

ماهواره یوتلست	ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۱۳۸۷	فرکانس: ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون: عمودی	پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰	سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۵/۶	اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

زنده باد اول ماه مه

1 May

زنده باد اتحاد کارگر، معلم، بازنشسته!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpiran.org

اتکاء ما به حمایت شماست!

لیست شماره یک کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب

در پاسخ به فراخوان حزب مبلغ ۳۱۶۴۰ دلار آمریکا در هفته اول کمپین جمع آوری شد. عمیقا از همه عزیزانی که به کمپین کمک کردند قدردانی میکنیم. از شما دوستداران آزادی و برابری و از شما مخالفان جمهوری اسلامی در خارج و داخل کشور دعوت می کنیم هر اندازه که توان مالی تان اجازه میدهد به کانال جدید که تریبون شما است و به حزب کمونیست کارگری و فعالیت های شبانه روزی و وسیع اش علیه جمهوری اسلامی یاری رسانید. هدف ما جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار در عرض یک ماه است.

سینا پدرام ۵۰۰۰ پوند
سعید مدانلو ۴۰۰ دلار آمریکا
کوشا ۵۰ دلار آمریکا
آذر پویا و هوشیار سروش ۴۰۰۰ کرون
اسماعیل مردوخی ۱۰۰۰ کرون
عبدل گلپریان ۳۰۰ یورو
بهار میلانی ۱۰۰۰ پوند
سارا نخعی و هرمز رها ۲۰۰۰ کرون
مینا بهروزی ۱۰۰۰ دلار کانادا
پروین معاذی و نسان نودینیان ۳۰۰ یورو
واحد حزب در فرانکفورت ۳۶۰۰ یورو
نرگس علایی ۵ یورو
سیما بهاری ۱۰۰۰ دلار
جمال صابری ۱۰۰ دلار کانادا
مینا صراف ۱۰۰ دلار آمریکا
جمله میرکی ۵۰ یورو
یک دوست ۱۰۰ پوند
مسعود آذرنوش ۱۰۰ دلار آمریکا
بابک یزدی ۱۰۰۰ دلار
فاضل ۲۰۰۰ کرون
صابر رحیمی ۱۱۰۰ دلار
کمیته کردستان ۱۵۰ دلار
سیاوش مدرسی ۱۰۰ پوند
بهرام کلاه زری ۳۰۰ دلار کانادا
کیمیا پازوکی ۱۰۰۰ کرون
سیامک بهاری ۱۰۰۰ کرون
امید ۱۰۰۰ کرون
فاتح بهرامی ۱۰۰ دلار کانادا
جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند
جمیل فرزان ۵۰۰ کرون
محسن ابراهیمی ۵۰۰ دلار
جلیل جلیلی ۵۰۰ پوند
صدف کوروش نیا ۱۱۰۰ دلار
حسین رها (کاکو) ۱۰۰۰ دلار کانادا

فهیمه صادقی و ابراهیم صادقی ۱۰۰۰ دلار
سهیلا میلانی ۳۰۰ دلار
سهیلا دالوند و داود آرام ۱۰۰۰ دلار
محمد هوشمند ۶۰۰ دلار
عباس ماندگار ۱۰۰۰ دلار
عباس سعیداوی ۱۲۰۰ دلار استرالیا (۸۹۰ دلار آمریکا)
پتی دبونیتاس و کیوان جاوید ۵۰۰ پوند
نوید مینایی ۱۰۰۰ کرون
مجید حمیدیان ۱۰۰۰ کرون
عمر معروفی ۱۰۰ یورو
فرامرز قربانی ۵۰۰ کرون
آقای جواد (آمریکا) ۱۰۰ دلار
هژار علیپور ۱۲۰۰ دلار
افشین مرادی ۱۰۰۰ دلار
آرش ناصری ۱۰۰۰ دلار
سحر آزاد ۱۰۰۰ دلار
پویا حقیقت جو ۱۰۰ دلار
سپرداد گرگین ۱۰۰ دلار
یدی محمودی ۵۰۰ دلار
جمال صابری ۱۰۰ دلار
اسماعیل آبادانی ۱۰۰ دلار
علا فرهادپور ۲۰۰ دلار
آیت رزمی ۵۰ دلار
حسین مکوندی ۲۰۰ دلار
حمید مکوندی ۱۵۰ دلار
صادق احمدی ۵۰ دلار
رحیم یزدانپرست ۲۰۰۰ کرون
آمانج مریوان ۱۰۰ یورو

جمع ۳۱۶۴۰ دلار آمریکا

اتکاء ما به حمایت شماست!

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

حزب کمونیست کارگری فعالیت وسیع و خستگی ناپذیری را علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری و رفاه در ایران پیش میبرد. تامین مالی این فعالیتها، از اداره تلویزیون ۲۴ ساعته "کانال جدید" که بر دو ماهواره برنامه پخش میکند و تکیه گاه مبارزات کارگران و معلمان و زنان و همه جنبش های اعتراضی و آزادیخواه است، تا فعالیت میدانی موثر در همه عرصه های مبارزه علیه جمهوری اسلامی در داخل ایران تا برپایی تظاهرات های خارج کشور در شهرهای مختلف جهان و فعالیت های متنوع برای شکل دادن به افکار عمومی در کشورهای مختلف در حمایت از مبارزات مردم ایران، همه و همه بدون کمک های مالی شما دوستداران آزادی و برابری و حزب کمونیست کارگری ممکن نبوده است. ما بار دیگر در کمپین سالانه خود برای جمع آوری کمک مالی جهت تامین هزینه فعالیت های حزب کمونیست کارگری و گسترش این فعالیت ها به شما مردم شریف و آزادیخواه، به شما کسانی که خواهان رهایی از شر حکومت مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی هستید، به شما دوستداران برابری و رهایی انسان از شر همه مصائب و

محرومیت ها روی می آوریم. ما امیدواریم که مثل همیشه با حمایت سخاوتمندانه شما و با فعالیت های بیدریع اعضاء و فعالین حزب برای جمع آوری کمک مالی بتوانیم مبلغ ۱۰۰ هزار دلار را در فرصت یک ماهه جمع آوری کنیم.
از شما در خارج و داخل کشور دعوت می کنیم هر اندازه که توان مالی شما اجازه میدهد به حزب کمونیست کارگری و فعالیت های شبانه روزی و وسیع اش علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری یاری رسانید.
برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.
شماره حساب ها و تلفن های تماس:

سوئد:
Sweden
Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:
Germany
Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج
سیامک بهاری: 0046739868051
از آمریکای شمالی:
بابک یزدی:
0014164717138
تماس از ایران
شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:
00447788988643

KANAL JADID
کانال جدید
پخش زنده آنلاین:
پخش زنده
newchannel.tv/live/tv
فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

ماهواره یوتلست
فرکانس: ۱۱۳۸۷
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۵/۶

ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com